

چندلک

۱

نشریه
مجاهدین خلق ایران

در این شماره :

الف

سرآغاز

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به خانواده

مجاهد شهید احمد رضائی

۱-۵

اخبار و گزارشهای کاری

۶-۹

گزارشی از کارخانه ایران پارسا

۱۰-۱۲

دیدار از گروه پژوهش (در جنوب تهران)

۱۳-۱۷

گزارشی از کارخانه آتسا

اخبار و گزارشهای روستایی

۱۸-۲۰

چند خبر مشاهده کوتاه

۲۰-۲۷

گزارش مختصری از د فک و بهداشت

۲۷-۲۹

جریان یک درگیری بین روستاییان و اندامها

اخبار و گزارشهای دانشجویی

۳۰-۴۱

انتهای آد راه دانشجویان تبریز

۴۲-۴۳

اخبار و گزارشهای روستایی

۴۴

اخبار و گزارشهای روستایی

۴۵-۴۹

چند خبر کوتاه

۵۰-۵۲

گزارش از کارخانه ایران پارسا

اخبار و گزارشهای روستایی

۵۳-۶۸

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

سرآغاز

با ایمان به خدا، با ایمان به قدرت خالقمان در کسب پیروزی و با ایمان به نبرد مسلحانه در از مدت خلق به نولن تنها راه نجات از یوغ امپریالیسم، صهیونیسم و دیار پهلوی، مرحله تازه‌ای از فعالیت‌های سازمان را شروع میکنیم: مرحله سخن گفتن و تماس وسیع‌تر و روشن‌تر و مستقیم‌تر با خلق. می‌کنیم مسائل خلق را از خود او بیاموزیم و پس از ارزیابی، جمع‌بندی و کشف قانونمندیهایی ظریف‌تر، مبارزات خلق و آنها به او بازگردانیم. "چنگل" می‌کشد این سیر طبیعی و تکاملی از خلق و به خلق را طی کند. این گام نخستین است و راه هزار فرسنگ با قدم اول آغاز میشود و مهم همین است.

"چنگل" نام و نام خود را از روزنامه چنگل که ارگان مجاهدین نهضت چنگل بود گرفته است تا یادآوری و احترامی باشد به قدرت خلق ما و نیز به نبرد چریکی مسلحانه و در نوع خود بینظیری که در حدود ۶۰ سال پیش به محت خلق ما و انقلابیون ارجمندی چون کوچک خان و حمیدر خان عمو و افلو برپا شد.

اولین شماره "چنگل" در بهمن ماه انتشار می‌یابد که هم‌پا بود شهادت اولین شهید گرامی ما، احمد رضائی و هم یادآور خاطره پرشکوه نبرد سیاهاکل است که در آه از فصل، نوینی در تاریخ مبارزات خلق ما است.

الف

----- جنگل ----- پ

"جنگل" ، مطالب قابل استفاده عمم را از يك "نشریه داخلی"

ازمان بر میگزیند و گاه با افزودن مطالبی دیگر بدین صورت که می بینید
در سطح وسیعتر توزیع میکند .

"جنگل" ، همانند از کلیه کسانی که دلشان بخاطر نجات

خلق زحمتکش ایران از یوغ امپریالیسم و استثمار سرمایه داری میسپد ،

اهدائی میخواهد . نظرات خود را بهر وسیله ای که میدانید با رعایت
محل امنیتی بدست ما برسانید و "جنگل" راه دست دیگران .

امید است "جنگل" با همه نواقصی که فعلا دارد ، بتواند تجربهای

ای يك روز تمامه سراسری ورشته پیوندی بین توده های خلق

ما باشد و نیز بتواند انقلاب عظیم سراسری زحمتکشان را "جرقه" ای باشد .

مجموعه بدین خلق ایران

۷ بهمن ۱۳۵۲

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به خانواده

قهرمان مجاهد شهید احمد رضائی

لا یستوی شکم من انفق من قبل الفتح وقاتل اولئک لعنم درجه من

الذین انفقوا من بعد وقاتلوا • حدید ۱۰

• آنانکه (باروشن بینی) از هر چیز خوش قبل از اینکه پیروزی نزدیک

باشد میگذرند (اتفاق میکنند) و نه نبرد بر میخیزند دارای مرتبه برتری

هستند از کسانیکه بهنگام پیروزی اتفاق کرده و به پیکار روی میآورند •

میل داریم اکنون که درست دو سال از شهادت پرافتخار احمد

اولین شهید مجاهدین خلق میگذرد همراه با همیشه ترین درودها

قدری با شما خانواده قهرمان و صبور سخن بگویم •

جنبش مسلحانه خلق ایران اکنون سومین سال تولد خویش را

پشت سر میگذارد • در این مدت یاران زیادی را برای انقلاب پرشکوه

خلق ایران نثار کرده ایم جز این چه میتوانستیم بکنیم؟ از آن روزی که گام در

این راه پر پیچ و خم گذاشتیم بخوبی میدانستیم که تجربه را با خون باید

کسب نمود و از این رو هر کدام از ما آماده بودیم که خون خویش را برای

گشودن هر قدم از این راه • تقدیم کنیم و اول بار این افتخار نصیب احمد

شد که با شهادت جسورانه و پرشکوه خود از تمام برادرانش پیشی گیرد

و سرشش بزرگی برای تمام ما و خلق زحمتکش ایران کرد • آندو ماه به نصبت

امروز از بدلتگو اندکی برخوردار بودیم ولی این را خوب میدانستیم برای

اینکه بیاموزیم و بتوانیم در پیشاپیش روزگار برای مبارزه با رژیم مفسور

-----چنگل----- صفحه ۲

مغیر پہلوی ہا میں عامل خونخوار استعمار حرکت کشم ہلانہ است سلاح
برک گرفته و فعالیت خویش را فروزی بخشیم • پوشش دشمن از کوشش جاہلانہ
و ضد خلق، خویشی با سانی باز نخواهد ماند و در این نبرد نخست ما ضعیف
و تجارمان اندک و اقوی و از کستارهای داخلی و جنایات اربابانہ
در کسپہای دیگر تجارب فراوانی در دست دارد ولی چہ باک کہ مادر راہ
خدا ہم و برحق را و در راہ طغوت است و بر باطل • ما ایمان راسخ داریم کہ
تیرہمان با ظاہری قلیل و رو بکسترش است • از این رو است کہ از حقیق تصام
ضعیفان و تمام کسانیکہ حق آنها بوسیله استعمار خارجی اسرائیل - آبریکا
- انگلیس و کمک در بار خونخوار پہلوی ضایع شدہ است دفاع میکنم و سی
تردید اندک اندک زحمتکشان نیز بیاری فعال ما برخوانند خواست • راہ ما
راہ خدا و راہ مردم است • اگر ابو جہل ما توانستند مجاہدین اسلام را از
بین ببرند رژیم پہلوی نیز خواهد توانست با ما چنین کند • اگر خون حسین
بن علی (ع) پای مال گشت خون یاران ما نیز چنین خواهد شد • اگر امور بالہم
خونخوار آمریکادروستام توانست خواست خود را حاکم کرد اند اینچا نیز خواهد
توانست • تاریخ ہمیشہ گواہ بودہ است کہ خلق فروزدانش را یاری خواہد داد
و انقلاب ما در نہایت بہ پیروزی خواہد رسید •

* قال الذین یاتینہم ملائکہ اللہ کم من فئۃ قلیلہ فلیت فئۃ کثیرہ
یاذن اللہ واللہ مع الصابین

آنانکہ بملاقات پیروندگانشان امیدوار بودند (و در نتیجہ پیروزی را مکن و میسر
می دانستند) گفتند : چہ ہما گروہہای اندکی کہ (برحق) بخواست خدا
برگروہہای انبوی (کہ بر باطلند) پیروزی می یابند و خدا یاور کسان

است که در این راه برد باری پیشه میکنند *

آری، اگر ما از تجاری که تنها با خون برادران انسان کسب میشود

متعهدانه درس بگیریم و بایر باری آنها را در عمل آورده، ما بکاریم و بیشک

روز بروز قویتر خواهیم شد. اگر اکبر احمد نداریم افتخار میکنم که با نشر

خون یارانی چون احمد زمینه را برای تولد احمد های جدیدی ایجاد

کرده ایم که همچنان مصمم، راه انقلابی او را خواهند پیمود و خود، زمینه

رشد انقلابیون مصمم تری را ایجاد خواهند کرد. این قانون خلقت است

و خواست خللی ناپذیر خدا و خلق است.

این افتخار نه تنها متعلق به بلکه متعلق به خلق و پیش از همه،

از آن شما خانواده، مجاهد پرور است و شما که در دامان پاک و انقلاب پرستان

مردان بزرگی چون احمد و رضا مهدی پرورده و تقدیم انقلاب ایران کردید.

احمد، که برای ما معلم بزرگی از نظر جسارت و شجاری، احساس مسئولیت

نسبت به خدا و مردم، پرکاری و قاطعیت انقلابی، صمیمیت و وفا و کینه نسبت

به دشمنان خلق پرورده، همیشه ما را با عمل خویش بیدار آگاهی در چه بیشتر در راه

انقلاب تشویق مینمود *

رضا، که با شجاری و قاطعیت و سرعت عمل توانست در خیمه مسان

ساواک را بفریبید و با استفاده از فرصت مناسبی بکار برادران انقلاب پیش

پاز گردد و آنها را در پیشبرد کارهای سازمان کمک شایانی کند.

مهدی، که بحق "گل سرخ" انقلاب ایران لقب گرفت. او نمونه

جسارت و مقاومت و وفا و پاک اشوب بود. این سه برادر مجاهد پیش از همه،

این خلعت های انقلابی را از خانواده کسب کرده بودند. همیشه بیاد داریم

----- جنگل ----- صفحه 4

که احمد و مهدی و رضا چگونه از اثر خصوصیات پدر و مادر بروی خودشان سخن می‌گویند • از آن زمان که پدر آنها را که کوچک بودند برای تماشای تظاهرات ضد دیناری مردم با خود می‌برد تا آن زمان که به ترتیب را با انقلاب آنها را تأیید کرد چلیشم فشارهای مزدوران ساواک همچنان تمام ماند • و مادر که با تربیت انقلابی و اسلامی اش پذیر عشق مردم و کینه نسبت به ظلم و ظالم را در دل فرزندانش کاشت و هر روز صبح تا پاسی از شب با تمام وجود و دین هیچگونه چشم داشتی برای پیشرفت بچه ها کار میکرد • و این خود بزرگترین درس داری بود که بآنها می‌آموخت • آری اگر ما و شما سه برادر هاجد و سه فرزند قهرمان را از دست دادیم در عوض آنها با حماسه هایی که آفریدند تجارب و اران زیادی را برای ما به یادگسار گذاشته اند • از نظر ما آنها هیچگاه نمرده اند • این سه ستاره تابناک و دین ظلمت محسوس آریامبری همچنان درخشانند و تمامی ملتیدگان راه حق و آزادی راه را نشان می‌دهند • مادران و پدران بزرگوار و شما که فرزندانی این چنین پاک باخته و بی‌خلق زنجیده و زخم‌تکس ایران تقدیم کرده اید این وظیفه را نیز دارید که تا آنجا که توان دارید از راه فرزندان خود دفاع کرده و رژیم راهمه جا رسوا سازید • دیگران را به مطالعه و خود سازی دعوت نموده و جنبشهای انقلابی فرزندان خویش و سایرین را بازگو کنید و بگوشید که بچه دلیل آنها به پا خاستند و بچه دلیل رژیم آنها را به شهادت رسانید و بیا به بند کشید • به آنها افتخار کنید و سعی نمائید آنها را الگوی تمام آشنایان قرار دهید • به خانواده زندانیانی که نیازهای مادی دارند رسید برسید و مادر و پدر آنها را با شما که از خانواده خوشدورند • با تجمع

های حساب شده و بحث های آموزنده (با روایت مسائل اضیعی) یکدیگر را به صبر و مقاومت تسخیر کنید *

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و یاظروا انقوالله لعلکم تفلحون

* ای کسانی که ایمان آورده اید • در راه پیروزی هدفنان و مشکلات آن پایداری باشید و دیگران را به صبر و پایداری دعوت نموده و پیوستگی و ارتباط خویش را حفظ کنید و در راه خدا تقوا پیشه کنید که امید رستگاری در همین نهفته است *

آل عمران - ۲۰۰

بخانواده هائی که از جمع شما بدور افتاده اند به صورتیهای گوناگون نزد يك شوید و آنها را در کوششهای خویش برای تبلیغ انقلاب شریک گردانید • به نقش خویش در شناساندن مجاهدین کم بهماندهید • در گذشته و جنبش شاهد اعمال شما بود و آنرا ستوده است و پیشك در آینده و همگام با او جگر پی جنبش و این حرکات عمیقتر و وسیعتر خواهد گردید • شما پیش از همه مجاهدین را میشناسید چرا که در دامان پاک شما پرورده شده اند و - خودتان بخوبی میدانید که تبلیغات فرزندان در رنگی رژیم صفاکی تا چه حد پشالی و حقنه است • همه با هم منتها در کسر رفتنی که میتواند به جنبش خدمت کند • بگوئیم تا جنبش را بشمار رساند و خلق اسیر ایران را از بردگی امپریالیستها و سرکردست نشاند و شان دوباره رها سازیم *

جاودانه باد خاطره شهدای قهرمان مجاهدین و تمام رزیدگان خلق درود به خانواده هائی که این چنین فرزندان را پرورش در دامان پاک خویش پرورده اند • نابود باشد دیکتاتوری سیاه و دودمان پهلوی مجاهدین خلق ایران

۷ بهمن ماه ۵۲

----- جنگ ----- صفحه

اخبار و گزارشات کارگری

گزارشی راجع به

اعتصاب کارگران کارخانه ایران یاسا

کارخانه ایران یاسا که تولید کننده لاستیک برای وسائل نقلیه

است با سرمایه ۲۵ میلیون تومان توسط حاج علی فولادی شروع به کار کرد *

در ابتدا صد نفر وانی از کارخانه اصلی در وانی و در این کارخانه کار

میکردند که به تدریج جایشان را به کارگران ایرانی دادند و الان فقط

بکفر باقی مانده است که رابطه بین کارخانه اینجا و وانی است و نقیض

تهیه کننده مواد اولیه و دستگاههای مورد نیاز را میدهد و دارند * رئیس

کارخانه قدرت چندانی بخصوص در امور مالی کارخانه ندارد * نماینده و

تام الاختیار فولادی شخصی بنام ساسانیا است نصرتی سرشناس

بازنشسته مشخصیت مهم دیگر کارخانه است که گاهی اوقات ماهیستی

تا حدود ۱۴۰۰ تومان اضافه حقوق دریافت میکند * وظیفه او چیست؟

مطابق قانون کار هر کارگری که از کارخانه ای بیرون میآید بایستی از آن

کارخانه رضایت کامل داشته باشد و رضایتنامه خود را اخذ کند والا اگر

شکایت کند و میزان شکایات صحیح به هزار برسد دولت اداره کارخانه

را رد دست میکند و ۲۰٪ دارائی کارخانه را به صاحب اصلی میدهد *

نماینده کارخانه در محاکم قانونی همین نصرتی است * وظیفه نصرتی است

که از هر کارگری که میخواهد بیرون رضایتنامه کتبی بگیرد و کارگر چون

احساس میکند که در صورت شکایت چیزی در محکمه نصیبش نمیشود شش

با گرفتن مقداری پول و رضایتنامه را اخذ میکند *

----- جنگل ----- صفحه ۷

قانون اول کار میکند که هر کارگر در ابتدای کار با حقوق ۱۲۰ ریال شروع بکار میکند و بعد از ۷۰ روز دوره کارآموزی که کار بلد شست و مسئولیت قبول نمود به ۱۴۹ ریال برسد. قانون دوم میکند که همه کارگران از کارخانه ارث میبرد یعنی بعد از فوت کارگران فرزندان نسبت بکارخانه دارای سهمیه هستند. اما در این کارخانه با اختیار خودشان نحوه استخدام را تعیین میکنند، بدین ترتیب که کارگر بجای روزی ۵۰ ریال با ۸۰ ریال استخدام میشود و در هنگام قبول مسئولیت بجای ۱۴۹ ریال ۱۲۰ دریافت میکند. تاکنون مطابق حساب خود کارگران ۴۰۰ میلیون تومان حقوق آنها را بالا کشیده شده است. این امر باعث نارضایتی کارگران شده بود و تلاش سرکارگر که نمایندگی کارگران بجای نرسید. بدینجهت آنها تصمیم باعصاب گرفتند. ابتدا از نمایندگی خود خواستند در سازمانها مربوطه از خوشبینی سلب مسئولیت کند تا در هنگام اعتصاب به پای او بپردازند و به کارخانه اولتیماتم دادند که تا چهارشنبه ۷ آذرماه باید تکلیف آنها را معلوم کند. این ضرب الاجل را کارگران خود تعیین کرده و بکارخانه اعلام نموده بودند ولی برای غافلگیر کردن کارخانه ناگهان در روز ۳ آذر دست از کار کشیدند. در این هنگام فولادی در زاین بود و ساسانیها در کهنک. ساسانیان همان شب از کهنک به تهران آمد. کارگران تمام قسمتها را بجز حساب داری و بازاریگری تعطیل کردند. علت تعطیل نکردن این دو قسمت را این مدالب ذکر میکنند که میخواستیم بکاروانسکه سیاسی نزنند.

شمار آنها فقط چاود شاه بود و وقتی بتقاضای کاروانسکه

----- جنگل ----- صفحه ۸

کامیونهای ژاندام سر رسیدند چون فقط با شمار چایده روی بودند
با یکدیگر اشتن چند ژاندام مراجعت کردند • در عرض کمتر از یکساعت
شمارهای زیره در دیوار آهزان شد :

"کارگران نهی اقتصاد جامعه است" • "پیشرفت اقتصادی به تأمین
آبند کارگر بستگی دارد" • "کارگر همدار رحمت است و رزقند بهر
مادر طمعی ندارد" •

کارگران لیستی از حقوق میبند سین و کارندان و صاحبان ارقام
حقوق بالا را تهیه کرده بودند و نام آنها را همراه با حقوقشان میخواندند
و با تسخیر از آنها میخواستند حالا کارخانه را راه بیاورند • کارگران
تلاش کردند که نصرتی (سرهنگ بازتخته) را کمر آورده و کتک بزنند ولی او را
بهنگاه نیامردند ولی شخصی مشهور دیگری را روی ریل متحرک لاستیک قمار
داده و ازین شاسی او را در هوا معلق کردند • اعتصاب ادامه داشت تا
شبهت شب کار آمد و دیناله اعتصاب را گرفت •

در مدت اعتصاب حدود دویست و پانزده تومان بکارخانه ضرر خورد
حاکمیت روسای کارخانه تسلیم شدند و نمایندگانی سازمان کار برای طبقه بندی
بکارخانه آمد • کارخانه دو دستکاه را که تعدادی کارگر روی آنها کسب
میکردند و اگر طبقه بندی صورت میگرفت به علت شرایط کار به حقوق آنها
۶۰ تومان حد اضافه میشد و در هنگام واریسی مشاغل خاموش کرد • در
نتیجه این اعتصاب به حقوق کارگران بین ۴۰ تا ۶۰٪ اضافه شده است و
تا اواخر آذر بایستی عقب افتادگیها داده شود وگرنه دوباره اعتصاب
شروع شود •

----- چنگ ----- صفحه ۹

در روز ۱۴ آذر چند نفر از کارگران که در جریان اعتصاب فعال بودند
 اخراج شدند که در نتیجه اعتصاب چند کارگران بکارخانه
 بازگردانده شدند *

XXXXXXXXXXXX پیروزخانه XXXXXXXXXXXXXXX

مقارن غروب آفتاب بود که به کوره پیروزخانه رسیدیم * کارگران تازه
 دارند دست از کار میکشند * مادرست پای یکی از دودکشهای بلند که
 خود کارگرم آنرا میله میزند ایستادیم تا بهیم و "قمیر" را بهیمیم *
 "قمیر" در حقیقت محل اصلی کوره است و این دودکش (که متعلق
 به همان کوره میباشد) در حدود ۵۰ متر فاصله دارد * این ۵۰ متر را از
 میان خاک و سنگ های کج که رویم انباشته شده عبور میکنیم * نزدیک قمیر
 کارگران را میبینیم که دست از کار کشیده عازم رفتن میباشند * عدای از آنها
 که در کوره "کج" کار میکنند بادست های کچی و پراز ترك و گاهی خون
 آلود جلب نظر میکنند * کار "قمیر" محوله صاف و نسبتا وسیعی میشود
 دارد که محل درست کردن خشت میباشد * مادر این نقطه با کارگران
 برخورد میکنیم * همه با نگاه میافشند و نگاهیهای پراز سوال * در میان آنها
 از کودکان بسیار کوچک مثلا ۶-۷ ساله تا مردان ۵۰-۶۰ ساله دیده

میشود * پرورد در میان آنها خیلی کم است و اغلب آنها جوانهای ۱۰-۱۵
 ساله هستند * محاسن است زیرا کار طاقت فرساتر و تنهاتر از حیوانات در سن
 رشد خاصی بالاتر از حد * این کار بر مآیید * تعداد بهره ها کم
 نیست * بعد ها باقیانیه های مظلوم ورنج کشیده و چشمان کور وخته
 به ما نگاه میکنند * صورت همگی بدین استتار سرخشته و نم دمای شده است *

----- جنگل ----- صلح ۱۰

مانند کسی که کار دریا و کوه رفته و شدیدا آفتاب خورده باشد • دستهای و پاهایشان گچی و خاکی و راز ترك و زخم است • مگس کشفای خاصی که از لاستیک درست شده پوشیده اند که به آن " چارق " میگویند •

از پنهانی میروسم چقدر مزه میگیری؟ جوابی نمیدهد ولی بهیچ وجه دیگری که کارش ایستاده میگوید: ما کتراتی هستیم • ده ماهه مارا مشخصه توپان کترات میکنند و پولش را به پدرمان میدهند • پرسیدم چقدر سال داری؟ جواب میدهد ده سال • در سرم خواندای؟ نه بابا • غذای تو را که میدهد؟ ارباب میدهد • اهل کجاستی؟ شهری گفت نزدیک مرز افغانستان • چرا صورت همه شما سوخته است؟ کوه داغ بود آجر زدم چون خیلی داغ بود اینطوری شد • (غمرا دستهای را نشان میدهد) کف دست و مچ دستها را انگشتانش تماما پهنه بسته بود و معلوم بود بطور مداوم در تماس با آجرهای داغ که حرارت را تا مدتی در خود نگه میدارند و سوخته است •

پسر جان با حمایت چرا اینطوری شده؟ خوب دیکه از سیمان شده • چون داغ است پارا اذیت میکند • کف پایش را نگاه کردم و درست مثل شمع سفید و سیاه بکلی رفته شده است • بطوری که میشود زیر پوستش را ببینی نگاه کرد • سپس نگاهش بین کرد • میگوید: اگر این کفشها را نهوشم اصلا نمیتوانم راه بروم • در این هنگام به هاما را ترک کرده و دست اطاقش را که دسته جمعی در آن زندگی میکنند میروند • مام با این دو کارگر برای دیدن " قمر " میروم • " قمر " محوطه بزرگی است به عمق ۱۶ الی ۷ متر که در زمین کنده شده است • در وسط این محوطه و فاصله ۶ متر از دیوارهای آن یک ساختمان بیضی شکل ساخته شده که سقف آن درست هم سطح

----- چنگل ----- صفحه ۱۱

زمین است و بوسیله يك پز، باریك بزمن متصل است. از این پل عبور
میکنیم و روی بام این ساختمان میرویم. تمام سطح آن از نف سیاه پوشیده
شده است. گرمای شدیدی را زیر پایمان حس میکنیم. در وسط این بام يك
اطاق ساخته شده که چند نفر از کارگران در آن زندگی میکنند. نصف گاف
اطاق پوشش ندارد و در آخر اطاق يك قطعه نم افتاده است. بوند عد د
لحاف و تشك باره و تعدادی پیاله و قابلمه يك كتری و يك چراغ برسانی و
مجموعه اثاث این اطاق را تشكيل میدهد. از آنجا بیرون آمده، برای رفتن
یکی از کارگران که چراغ در دست داشت از پله های کم عرضی خراب شده بای
پائین میرویم تا ساختمان کوره را ببینیم. این ساختمان بزرگ از چندین
اطاق درست شده که هر اطاق بوسیله سوراخی بطول ۲ متر و عرض يك متر
به بیرون راه دارد. در توی این اطاق ها از كف آن تا نزد يك سقف خشت
میچینند و بعد درش را تخته میکنند و آتش را بالای خشت ها حمله میکنند.
پس از اینکه خوب بخت آتش را خاموش میکنند و بعد از مدتی تخته را خراب
کود آجرها را بار ماشین میکنند. ما وارد یکی از این اطاقها که مدتی از
تخلیه آن گذشته بود شدیم. درست مانند جهنم بود و در عرض يك دقیقه
هکلی حرق کردیم. راستی طاقت فرسا است تازه این اطاق مدتی
باد خورده و خنك شده بود.

فکر کنید بیهوش آوردن آجرها، داغ از توی این اطاقها چه کسار
طاقت قرار گرفتن بای است بی جهت نیست که دست و صورت بچه ها اینطوری
موزود. از کارگران، میرویم بکارگران اینجا چقدر مزد میگیرند؟ از جواب دلقه
موراد میگویند: ای بابا... از جانشان مایه میگذارند. چقدر طول میکشد

----- جنگل ----- صفحه ۲۲

که آجرهای یکی از این اطاقها را بارماشین بکند ؟ جواب میدهند :
 امت ۱۲ شب که می روم به تعمیر بعد از ظهر فردا کارمان تمام میشود .
 مگر شبها هم کار میکنید ؟ بله ، اگر ماشین بیاید و منتظر بار کردن باشیم .
 بهرم . معمولا از کی کارتان شروع میشود ؟ بیشتر از ۴ صبح . دیگر
 ساعت نیارید ، از اطاق بیرون میریم و به تنها منازه کوره پزخانه رفتیم
 صاحب منازه صحبت میکنیم . در این منازه تقریبا همه چیز مورد نیاز
 رگران از قهول نان ، گوشت و خواروبار وجود دارد . میوه هم خنزه و گوجه
 فرتکی و دیگر هیچ . به سقف منازه هم تعدادی چارق آویزان است . همینطور
 استاده بودیم زنی بمنازه آمد و ۲ سیر گوشت که معاش دهنه بود خرید
 رفت . از منازه دار پرسیدم : این دو سیر گوشت را چند نفر میخورند ؟ جواب
 اد : خود شمشوریش و ۴ یا ۵ نفر منزه . از او پرسیدم مردم اینجا بیشتر چه
 چیز میخورند ؟ نان ، برنج ، سیب زمینی و کاه می هم آب سیب زمینی و خیلی کم
 م آبگوشت . پرسیدم آب سیب زمینی چیست ؟ سیب زمینی را خرد کرده با
 شود و لوبیا و یازمی بزنند و کمی هم روغن نباتی بآن اضافه میکنند . پرسیدم
 برنج نمیخورند ؟ چرا ، خیلی کم .
 از منازه دور شده و از کنار اطاقها عبور میکنیم . جمع اثاث در اطاق
 بیش از ۴۰۰ تومان نمی ارزد و غذای هر کدام را هم که میگویم با برنج سفید
 آبی آب سیب زمینی و با برنج تنها و با سیب زمینی تنها و اگر که گوشت یافت
 شود بمقدار کم میباشد .

----- جنگل ----- صفحه ۱۲

مجموعه کارخانه آتسا (ATA) محمد مصطفی
حدود ۱۵ سال پیش، با تولید محصولات غذایی از قبیل انواع
مربا، عکسروماهی، رب گوجه و غیره شروع بکار کرد. محل کارخانه در اوایل
کار در منزل صاحب کارخانه بود (برادران عظمی). در ابتدا کارخانه
یک ماشین باری از نوع وانت واحد ۳۰ نفر کارکرد داشت که اکثراً زن بودند
صاحبان کارخانه (رجائی) با وانت میآمد و کارگران را که اکثراً از حله
رباطکیم، راه آهن و جیسی بودند بکارخانه میبرد و عصر هم آنها را به
خانه بر میگردد آمدند.

حقوق اولیه تنها ۵ تومان و مرد ها ۶ تومان بود که البته مزایای
دیگری هم داشتند. مثلاً هر وقت که بکارخانه میوه میآوردند بهر کارگری
یک کیلو میوه میدادند و خوردن میوه در کارخانه آزاد بود. به علاوه هر وقت
یک شیشه یک کیلو میوه بکارگران داده میشد.

بعد از گذشت سه چهار سال کارخانه داران استفاده از دسترنج
کارگران کارخانه را وسعت بخشید و آنها از خانه خود به سه راه خرابخانه
انتقال داد. در محل جدید به علت اینکه تعداد کارگران زیاد شده و مقدار
تولید نیز بالا رفته بود، وانت باری دیگر نمیتوانست محصولات کارخانه و هم
کارگران را حمل کند. لذا کارگران که اکثراً از حله های جنوب شهر بودند
برای رفتن بکارخانه سوار خط واحد شده از خانه تا کارخانه سه خط را عوض
میکردند که برای این بار راحت شدند بود ولی بهر حال چارهای جز چان کدن
نداشتند. بعد از مدتی صاحب کارخانه از میلیونها پولی که از صنعت کارگران
به جیبزدن بود در خانه قدیم کرج روی ایران گاز محل جدیدی خرید

----- جنگل ----- صفحه ۱۴

چهار سرپوش اتوبوس بین کارخانه و شهر دایر کرد • در طی اینصصت ماشینهای تولیدی هرروز وسعت یافته وکاملتر میشوند • اکنون ۱۵ سال از شروع کار میگذرد و کارخانه حدود ۳۰۰ کارکردائی دارد که ۶۰ نفر آنها زن وبقیه مرد هستند • کارخانه هرروز وسعت مییابد وانبازهای جدیدی ساخته میشود • در طی این ۱۵ سال که قیمتها چند برابر شده • حقوق اولیه کارگرتهاها يك تومان بالا رفته است • یعنی زنها ۶ تومان رو مرد ها ۷ تومان میکنند • (کارگران اضافه کار هم دارند •)

وضع بیمه کارخانه :

این کارخانه داره حدود سه سال از مزد کارگران • حق بیمه کسر مسکوده • است بدون اینکه واقعا آنها را بیمه کند • تا سال ۱۳۵۲ • کارگری که حدود ۱۳ تا ۱۴ سال در کارخانه کار کرده بود • بیش از ۹/۵ تومان در روز حقوق دریافت نمیداشته است در صورتیکه حقوق آنها از روز ۱۷ تومان در روز پرداخت میشده است تا قانون کار که حداقل مزد را پسرای کارگران سده ۱۲ تومان تعیین کرده • رعایت شود و تنها در همین سال ۵۲ بود که حقوق آنها به ۳۰۰ تومان در ماه رسید • مدتی قبل کارگری در حین کار در کارخانه (بعلت یخندان بودن زمین) بزمین خورد • استفوان لکس خاصه راس میشکند • تنها کاری که میکنند ابرا به بیمارستان بیمه میبرند و بدست دکترهای بیمارستان میسپارند و آنها هم مدت کمی برایش استراحت میبخشند • کارکر مزبور بعد از تمام شدن مدت استراحت به بیمارستان مراجعه کرده و اصرار میکند که خوب نشده و حلت زیادی سن • احتیاج به استراحت بیشتر دارد ولی دکترها گوش نکردند و مدتی کارخانه نیز ابرا باخراج تهدید

----- چنگل ----- صفحه ۱۵

میکنند. لذا جبر میگردد باصمان حال بنگار مشغول شود. البته این مدتی راه اوکار نکرده از سود ویژه سالیان تاثر کم کرده بودند. در طی این ده سال انقلاب آریامهری، بازرسهای مختلفی از وزارت کار بکارخانه آمدند ولی به علت تهدیدهای قبلی کارخانه دار هیچ کارگری حسیق شکایت نداشت. مخصوصاً کارگرانی که تازه از ده آمده و از فرهنگ شمیری خبری ندارند و همچنین بیوه زنها. البته در این بین خوانی نخواهی بازسرا وضع کارگران مطلع میشده ولی همیشه در بازگشت، خود را مواجهه با رشوه، صاحب کارخانه و جمعه های مراب و کسرو میدیده و همین به علت میشده که وی سکوت کند.

همچنانکه گفتیم اوایل کار خوردن میوه مجاز بود ولی حالا کارگران بحق خوردن کترین میوای راند دارند و در موقع خروج هم بازرسی میشوند. بدتی پیش، سوزنی که شاید اشتهاها سببی را بدشان برده بود مورد تنبیه ریسی مدیران کارخانه واقع میشد و حتی تنبیه نامهای هم به در کارگاه میآوردند که فلان خاتم فلان میوه را خورده و به سایر کارگران اخطار میکنند که دیگر از این کارها دیده نشود.

بعد از گذشت ده سال از تصویب قانون سهم شستن کارگران در سود کارخانجات تنها سه سال است که هر سال حقوق دو ماه را میتوان سود کارخانه بکارگران میدهند. (یعنی روزانه مزد که حداکثر بیست ریال است.)

کارگران در مواقعی که کار کارخانه زیاد میشود جبروند هر روز حداقل ۴ ساعت اضافه کار کنند. در مرداد امسال صاحب کارخانه کارگران

----- جنگل ----- صفحه ۱۶

را بدو دسته تقسیم کرده تا یک دسته از ۷/۵ صبح تا ۷/۵ شب و دسته دیگر از ۷/۵ شب تا ۷/۵ صبح کار کنند. یعنی سه شیفت را بدو شیفت تبدیل کرده است که مزایای زیادی برای کارخانه دار حاصل میشود. به سلاطین تعجیل جمعه هارا هم از بین برده و برنامه را دلیوری تنظیم کرده است که کارگران در هفته مجبورند ۳۶ ساعت یعنی هر روز ۶ ساعت اضافه کار کنند. نباید از نذر درود داشت که کارگرانی که صبح ساعت ۷/۵ شروع بکار میکنند، ساعت ۶/۵ سوار سر میزنند و ۷ صبح بکارخانه میرسند و نیم ساعت هم قبل از موعد آنها را بکارهای مشرقه مانند جاروب کردن و غیره میکارند. و ظهر رفته کارگران در درختخانه روز ۸ ساعت وقت دارند که بخوابند و غذا بخورند و لباس بشویند و اکترام هم سر میزنند دارند که بآنها نیز باید برسند.

در کارخانه در از ۱۰ ساعت اضافه کار بکارگران قدیمی ۱۵ ریال و جدید بها ۱۰ ریال میزدند. در حالیکه قانونا باید مزد هر ساعت اضافه کار ۳۵٪ مزد روزانه آنها باشد.

در آخر تابستان معمولا عدای حدود ۶۰ - ۵۰ نفر از دهقانان قزاق دست پسچو هایشان را گرفته روی بکارخانه میآوردند و شهادت بکار آنها را نشان میخواستند و روزها بکار میزدند. در شبانه روز بطور متوسط ۱۶ ساعت کار میکنند که گاهی به ۲۰ ساعت هم میرسند. دهقانان جزاین چارهای ندارند. احتیاج بیک لقمه نان خشک و خالی آنها را وادار میکند که هر چه بیشتر جان کده و بفتح سرمایه دار استثمار شوند.

این کارخانه داران با سرمایه داران صهیونیست در دشت قزاقین هم دست شده و قدری سهم خرید و فروش و احتیاج خود را از آنها

-----بختل----- صفحه ۱۷

می‌شود • اکنون نیز مشغول ساختن کارخانه دیگری در منطقه قزوین می‌باشد
که ماشین بزرگتری را در آنجا نصب کرده تا سطح تولیدش را بالا ببرد •

✻ ✻ ✻ ✻ ✻

✻ ✻ ✻

”بترس از خشم مردم که نمونمای از خشم خداست •“

علی (ع)

”انقلابی کسی نیست که روزی به‌باره به دشمن حمله کند و
عدای از افراد او را به‌ناک افکند • انقلابی کسی است که وقتی
پیروزی همچون چراغی کم نور در نقطه‌ای در دست کور مسو
می‌زند آنرا مانند خورشید پیش چشم خود روشن بپسند •“

چه گوارا

”حوادث اخیر نشان داد که دشمن نه تنها از لحاظ
استراتژیک بلکه در تاکتیک هم ضعیف است • • • بشرط آنکه ما
قدرت جمع‌بندی تجاربمان را داشته باشیم •“

مجاهد شهید محمد خنیف نژاد

----- چنگل ----- صفحه ۱۹

بکند * خودش دیده بود که نمیتوان بادولت هسادگی در افتاد چسرا
که شکارهای عسکارگاه سلطنتی باتیرهرگوسفندی را که به حرم شکارگاه
وارد شود میکنند و تاز و صاحبش را جریمه هم میکنند *
موج جریانات شهری روی او هم اثرات جالب توجه گذاشته بود *
بعنوان نمونه از پیروی اعتصابات مردم در جلوگیری از افزایش ظالمانه
قیمت پلهای اتوبوس در چند سال پیش تملیف و تجدید نموده و نقش دانشجویان
را در این امر ستایش میآورد *

* یکی از اهالی روستای خشک رود که در ۱۰ کیلومتری حوضه *
زنجبار قرار دارد چنین میگفت : مادر این روستا از کم آب در خضه دستم
و از نام روستای ماهم پیدا است * راجع به وضع زندگی خود چنین میگفت : هشت
نفر نام خود را در زمین که در اختیار دام از آن مالک است * سالانه
۴۰۰ تومان بابت اجاره باران میدهم و چون آب ندارم لذا از دست و صورت
دیم میکاریم و سستی بهمانی دارد که آب باران آنرا شرب نکند یا نکند *
اگر محصول خوب باشد سالانه شصت تومان درآمد دارد که نصف آنرا
بابت اجاره باران میدهم * (در این ده هنوز اصلاحات ارضی نشده است) *
وی خارج سالانه خود را از طریق یکی دیو ریخت میوه و داشتن یک
گاو و گوسفند و ملکی در حوضه یا خود تهران تأمین نموده که از این وضع
کاملاً ناراحت بود *

۵۵ * یکروز عصر ساعت ۶/۵ تا ۷ که برنامه دهقان از رادیو پخش
میشد بلکه روستائی کشاورز نشسته بود و مرتب با تسمه لبخند میزد * گفت
چیه بابا * چرا میخندی ؟ گفت دام به ماهیهای که پخش میشود میخندم *

-----بختل----- ۲۰

کتیم چطور؟ گفت: چندی پیش به ده آمدند تا باشند نفر صاحب
کند. در آن موقع من از بغل مامورین رادیو رد میشدم. صدایم کردند
و گفتند میخواهیم با تو مصاحبه کنیم. منظورشان را نفهمیدم. از مسکن
پرسیدند: فلانی خوب بعد از اصلاحات ارضی وضع شما چطور شده؟
کتیم خیلی بد. مأمور رادیو چرا خورد و چیزی نماند بود که کتیم بزنند
و به تله بختیم که از دستان دررفتم.

* گزارش مختصری از دهکده بیدستان

بیدستان از دهات قزوین است. این ده دارای ۲۴۰۰ هکتار
زمین و ۶۶ خانوار جمعیت میباشد. امرار معاش مردم ده از طریق
دامداری و کشت گندم، جو، یونجه و هندوانه می باشد. دهی است حاصل
باغات ده و انگور و مقدار کمی پسته میباشد. مالک این ده یکنفر پیرجودی
است و دهیلا به تحلیل مختصری از وضع آن پسر از انقلاب سفید میپردازیم:

از سال ۱۳۴۰ به بعد:

مالک ده ده پیرجودی است در آغاز برای چپاول و غارتگری
با حیل و حقه های ددستانهای جهت نفوذ معشوی در زمین ده را به مدت پنج
سال اجاره میداد و مقرر میشد در سال هر خانواری مقداری پیر از ده
که در سال رو به برافروخته هفده هزار تومان اجاره ده میشود. دوسه سال
هم سراغ اجاره خود نرفت و اهالی از این عمل بسیار خوشحال بودند.
این کسب و حقه خوب با عمل دیگر او تضاد داشت و زیرا که او قطعه
زمینی را برای خود انتخاب کرده و سرگرم ساختن "میکه" شد. بدو
صد از گوشه و کنار ده برای اطراف بلند شد که این چه سلیمانیت

----- بنظر ----- صفحه ۲۱

علیرغم این مخالفت ها کارخانه براه افتاد . چند نفری از اهالی ده در ساختمان میکه کار میکردند که از طرف اهالی تکثیر شدند که فلاسپی نجمر است چون دارد کارنجر برای آدم نجمر انجام میدهد . قبل از اتمام مدت اجاره ، با آگاهی که ارباب نسبت به شرایط (نزدیک بودن اصلاحات ارضی) داشت در صدد برآمد با زمینه چینی ، زمینهای بیشتری از دهقانان بختک آورد . ریش سفیدان محل را جمع کرده و شرح داد که من فرصت ندارم ، کارهای شما رسیدگی کنم و این زمینها بچه درد من میشود . من قصد دارم بهر خانواده ای ۱۰ هکتار زمین باقی بماند . ۱۰۰۰ تومان بدهم شما شما ویت های من باد لگرمی بیشتر زمینهای خودتان را آباد کنید و بقیه زمینها را کافی الهامی ، خود بکارید و بچینید و سهم مرا هم بپردازند . این دست و دلبازهای حساب شده ویت را قبول زد و بطوریکه مرتسب از خوبیهای ارباب تصرف میکردند . راوی این جریان که با اصطلاح مغز متکرم بود میگوید : " من به ویت ها گفتم با باحواستان را جیبش کنید که دارد گولمان میزند . اگر راست میگوید نوشته میدهد . مردم میگفتند " زمین بده ، قباله هم بده ، پولم بده ، نوشته هم بده ؟ انصاف خوب چیزه ... "

این واقعه دهقانان تا یکسال طول کشید و ارباب بهودی حکم العمل حرفها و شرایط خود را بررسی میکرد و جریان تسلط داشت که چه وقت هنگام کار است . بعد از یکسال ، ارباب دوباره دهقانان را جمع کرده و چنین توضیح داد که " ده هکتار زیاد است . زمین بدهم ، قباله هم بدهم ؟ مگر من چه گناهی کرده ام ؟ " این بار ویت قانع به ۸ هکتار

زمین شد *

سال ۱۳۴۶ بود * دهائی تقسیم میشد و دهائی دیگر شامسل تقسیم نمیشد و رعیت مانند کارگر ساده برای ان آب کار میکرد * ان آب بهودی بارد دیگر به اصطلاح مردم زیر قولش زد که نه هشتت هکتار زیاد است * ان آب وکیل گرفت و رشوه داد تا اینکه وکیل بار وادار کرد که به هفت هکتار زمین و آب و قنات و ۴۰۰۰ تومان پول نقد تملک کند و پهای ورته ننگین و زندگی سوزشان را اضافه کند * وکیل که اسحق جابایی واهل قزوین بود در این بازی ۷۰ هزار تومان دایدش شد *

یکی گفت : من این قرار داد را اضافه نمیکم مگر اینکسه ۲۰ هکتار کلا روی زمینها جهت باغات و خانههای ده گذاشته شود که با چانه زدن به ۴ هکتار توافق حاصل شد و در موقع نوشتن ۲ هکتار قید کردید *

هکتار ۴۶۴ = ۲۰۰ + ۲۶۲ هکتار ۶۶۲ = ۲۰۰ + ۴۶۲ خانوار
نتیجه اینست که از ۲۴۰۰ هکتار زمین که ان آب به سیم و رعیت دو سیم آنرا میرد ۴۶۴ هکتار نصیب ۶۶ خانوار و تقریبا ۲۰۰۰ هکتار به ان آب میرسد * یکی از اهالی میگفت : " اگر نصف هم تقسیم میشد باز بهیسا ۱۲۰۰ هکتار میرسد و وضع ما باز خیلی بهتر از حالا میشد و ولی مردم که بهودی قبول نکرد که نکرد * ما گول خوردیم و چه میدانستیم که اینطوری میشد * "

یکی از روستائیان ادامه داد : پس از اضافه قرار داد بود که همه متوجه شدیم که چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده ایم * اولین اقدام

----- جنگل ----- صفحه ۲۳

ما این بود که جمع شده و نامه‌ای نوشتیم و اداره اصلاحات ارضی بردیم و روی میز رئیس گذاشتیم. رئیس پس از آنکه کارهایش را انجام داد سری بلند کرد و بعد به نامه ما پرداخت و پس از مکتبی با خوشنیت نامه را محاله کرد و گوشه اطباق انداخت و داد زد که ای نشم های بشمور، کاغذ نوشتید، پول گرفتید، امضا کردید، حالا کارتان بشکایت هم رسید ما بست؟ پس از شاگرد نوشتاهی بیرون آمدیم.

راهی نمانده بود که نرفته باشیم. شکایت بد فتنه نخست وزیر و پدرار شاهنشاهی به بازرسی شاهنشاهی و بد فتنه خصوصی شاه و کسباج سعد آباد و بد فتنه خصوصی شاه در کاخ گلستان بردیم. ده نفری از ما جمع شده به کاخ نیاوران هم رفتیم. راهمان ندادند. و بعد ما جبراً را شرح داد که ده نفری پس از دل شستن از همه جا خود را به هالوگری زده سر را باین انداخته و مستقیماً به طرف کاخ نیاوران رفتیم. نگهبان کار فریاد زد: ایست! و بالحن خشن پرسید: کجا؟ گفتیم: ده مقام از ارباب شکایت داریم هیچ کجا بکارمان رسیدگی نکردند. میخواستیم مستقیم به پسر شاه برویم... با خوشنیت ما را به کوشای جمع کرد و گفت: هیچ میدانید که چکار میکنید مگر الکی است که هر کس همینطور سرش را بزند و سرود جلو. ما را سوار ماشین کردند و راهنمایی کردند که به کاخ گلستان برویم و هرکاری که داریم آنجا دنبال کنیم. ما اعتیاد کردیم که نامه رانده ایم تا در فرصت مناسبی بدست شاه برسد. ماهمه جا رفته بودیم ولی هیچ کجا مثل اینجا مهربانان را دست نشده بود. سرتان را در نیاوریم با تمام این حرفها نتیجه‌ای نگرفتیم که نگرفتیم... هر کجا میرفتیم نامه را میدادیم

----- جنگل ----- صفحه ۲۴

رسید می‌رفتیم و بر می‌گشتیم و دیگر هیچ *

یکی دیگر گفت: * پیش اوستی هم رفتیم و قضیه را کاملاً شرح دادیم. رسیدگی را بدو روز بعد موکول کرد و بعد گفت شما هیچ راضی ندارید جز این دوره یا مدرک و پرزده هارا آتش بزنید و یا مستقیماً یکی از نماها بروید پیش شاه. از آنطرف هم مایوس گشتیم *

ماهر کجا که می‌رفتیم ارباب بوسیله جاسوسانی که در ده داشت مطلع شده و راهمان را سد میکرد. ارباب بیش از هزارها تومان صرف شکایات ما کرد و او حاضر نشد که نصف آنرا به ریت‌ها بپردازد. با توجه باینکه می‌کده روزی ۱۰۰ هزار تومان عایدی دارد و ^۳/_۴ این سود خالص نصیب دولت می‌شود و همکاری دولت با ارباب بوضوح آشکار میگردد *

هم صحبت اولی بار دیگه رشته سخن را بدست گرفت: * همه حزب مردم رفتیم ۵۰۰ نفر بودیم. در محل حزب به دانی قرح آقاسی دینا برخوردیم و شکایت نامه خود را بوی دادیم. آقای دینا هم پس از مطالعه، برای اصلاحات ارضی نوشت و فردا روانه اصلاحات ارضی شدیم. پس از مکافات زیاد خود را بداخل رسانید و گفتیم که با آقای رئیس کار داریم. می‌خواستند دست پسرمان کنند که نامه دینا را نشان دادیم. یکمای خوردند و ما را پیش آقای رئیس بردند. رئیس هم پسر از یکم خوردن رسیدگی را به پسر خود ایش موکول کرد که باز هم بی نتیجه ماند. در بهار ۲۰ هکتار زمین شخم زدیم و تخم افشانیم. پسر از سبز شدن ارباب با تراکتور محصول سبز شده را شخم زد و بد زمان هم از دست رفت. گاو که نداریم کوفتند و زها پان راهم نمی‌گذارند و زمینهایش بجرانیم *

----- جنگل ----- صفحه ۲۰

ارباب سعی داشت که چند نفر از ما را به زندان ببرد از تساهل
 زهر چشیده از ما گرفته باشد. و اندامها را دید و زاندها آمدند سر
 زمین و نفر از ویتهارا به پنهان میخواست به پاسگاه ببرند تا
 برایشان پرزده درست کنند. و صحت ما را با جوب بجان زاندها افتاد
 و اندامها رفتند و پرزده درست کردند. با کار دستشان را پاره کردند که
 صحت کارد کشیده است و خلق سلا حمان کردند. فردایش چند و اندامها
 بدو ریختند و خنده و میخند و نفر را گرفته با دست بند کردند. اهالی و
 هم که مشاهده این جریانات که از ارباب سرچشمه میگرفت میازن و
 به میگه هجوم بردند. و شمع و شرف و داد و فریاد و غش و ناله و گریه
 برآید انداخته و در در بدنهال ارباب میگشتند و اگر آنروز تهای ده ارباب
 را گیر میآوردند که شکاف میکردند. نگهبان میگه قسم و آیه آمد که ارباب
 نیست و به شهر رفته. تا اینکه من وسیله و ماشین گرفتم همه را به دست
 توی ماشین و به زاندها بر دادم ولی نتیجه ای نداد که نداد. پس از آن
 میسر باقر آبادی و عمری هاشمی زندانیان را آزاد کردم. دیگر بخود گفت
 که کار از کار گذشته است و دیگر نمیشود کاری کرد.

پرزده دهان هرابهد ماست و دیگر هیچ اقدامی نکردیم
 حالا همان زمینی که بغل کارخانه چینی بیهوش است و در آن دیوار
 کشیده اند ۱۷۰ هکتار دارد که میخواستند ۹۰ میلیون تومان از ارباب بخرند
 خیلی سرمان کلاه رفت. هشتمان را گرفتند. این قسم ارافه
 و طبع اربابها را بهتر کرد. ما الان ۲۴۰ هکتار زمین داریم که آنرا هم
 عمران نکند. (پشت میگه نزدیکهای شهر صنعتی). ماکول ا

----- چنگل ----- صفحه ۲۶

کثات را خوردیم که آب داریم، این آب هم نسبت به سابق نصف شده است... باید روی کثات کار کرد که کسی هنرش را ندارد، همه سرد شده اند هر ۱۱ هکتار زمینی که مال دو خانوار است یک نفر کشت میکند و بقیه هم جاهای دیگر کار میکنند. بعضی ها در شهر صنعتی و بعضی ها در تهران و بعضی هم در شهر عملی میکنند.

اطلاعاتی راجع به هکده میسکسده:

میکده متعلق به ۷ نفر یهودی است بنامهای عزت الله و عید الله و قدرت الله و چند اسم دیگر که به الله ختم میشود. علاوه بر این کارخانه میکده ۵۰ تنهادرآبجو و آکو نیز سهمی دارند. سرمایه گذاری در میکده در حدود ۶۰ میلیون تومان شده است. نسبت به سرمایه و تعداد کارگران آن کارخانه خیلی کم میباشد که در شیفیتی هستند. یک شیفیت از کارگران از ۶ صبح تا ۱۶ بعد از ظهر و شیفیت دیگر از ۱۶ بعد از ظهر تا ۶ صبح. یعنی هر کارگر ۱۲ ساعت در روز کار میکند. حقوق آنها بهایت ۱۲ ساعت ۱۸ تومان است. میکده دو نگهبان دارد که شبها کمینک میدهند (باچوب). تولید روزانه میکده ۲۰۰ هزار بطری است که همه نجو را شامل میشود. روزی صد هزار تومان درآمد خالص دارد که ۷۰٪ آن به دارائی تعلق دارد و ۳۰٪ بقیه برای سرمایه داران میباشد. درآمد یکساله آن برابر است با ۳۶۰۰۰۰/۰۰۰ = ۳۶۰۰۰۰۰۰ تومان و یک.

بیشی از نصف سرمایه گذاری دستگاههای میکده است.

اینجا کارخانه مشروب سازی دیگری هم دارند که در قزوین واقع است و ۱۶۰ الی ۷۰ نفر در آن کار میکنند و کار کارخانه همیشه پرکنی است (نظیر مرغ و شراب و غیره). خانه صاحب کارخانه یهودی و پشت میکده در قزوین است.

همه کاره کارخانه عنزالقاسم. کارهای تهران را عزت الله که از همه مهمتر است انجام می دهد. در برست کارگرهای میکند و بدستان یکی از اهالی بدستان است.

* در یکی از دهات کرمانشاه بنام "عرب آباد" زندگی می کردی روی می دهد که منجر به تنگ شدن یک زاندام و کدخد اوزخی شدن چنبد زاندام دیگر میشود. ماجرا از این قرار بود، است: اختلافی بین یک فاعیل بنام چناری که از کشاورزان ده عرب آباد می باشند با مالک آنجا بنام رضاخان نوربخش، پسر یک قلعه زمین وجود داشته است. سال گذشته کشاورزان (چناریها) زمین را برای خودشان گندم می کارند ولی در موقع برداشت و در روی گندم رضاخان میگوید که باید گندم هارایم بدهید ولی چناریها حاضر نمیشوند با رضاخان کاریا بد. رضاخان نوربخش که دارای نفوذ زیادی هم در ادارات آنجا هم در تهران می باشد، از چناریها شکایت میکند و ماجرا دنبال میشود تا بالاخره قرار بر این میشود که دروغ زاندام مامور شوند که با کمک مردم گندم هاراد رو کرده و بیاورند و در انبار داد سراجای دهند تا با خورده بیشتر، دادگاه بکار آنها رسیدگی کند و گندم را بعد از حاکم به احب حق بدهند. مامورین همین کار میکنند. در همین درو کردن یکی از آنها با کامیون، گندم جمع شده را برای تحویل میبرد و زاندام دیگر برای جمع کردن بقیه گندم ها میماند. در این موقع که خدای چناریها باز اندامی که در ده مانده بود صحبت میکند و میگوید که آن یک کامیون را که رفیقت بود برای ارباب کافیه. بگذار قیه را ما خودمان جمع کنیم و تو کاری ندانسته باش. ولی مامورین یکسری سرسخت تر میشود و هر چه باو مهربانی میکند

ای نمیکند ارد. خلاصه، ماجرای ناراحتی بین که خدا و زاندام پسند
 زد و خورد میکند که در این موقع که خدا با چنگل (وسیلای که با آن گندم را پیش
 هند تا نمازگندم جدا شود) توی صورت زاندام میزند، به نحوی که از دست
 د پیکر صورت ای بیرون میآید و زاندام هم با آخرین رمقی که داشت با چنگل آمیخت
 د تیری بشک که خدا اضلایک میکند و که خدا هم بر زمین میافتد. از صدای تیره
 فامیل که خند که مشغول جمعی آوری گندم بودند به منزل او میآیند. زمانی
 پسند که که خدا آخرین لحظات را میگذراند و فامیل خودش وصیت میکند که
 بان در دهنم هست و اقطعه قطعه کنید. فامیل که خدا که در آن موقع
 هفت یا هشت نفر بودند با پیل و چنگل و داس و سرچشمه زاندام ریخته او را که
 میکنند پیلوریک وقتی جسد را به پزشک قانونی میبرند میگویند «قطعاً
 شده است. خلاصه حتی گوشت رانهای زاندام را از استخوان جدا کرده و
 توی را میبرند»

پس از آنکه فامیل که خدا از قطعه قطعه کردن جسد زاندام خلاص
 نبوده، به چهار دروازه خان که در بیرون ده زده شده بود میروند ولی رضاخان
 سرار میکند و به شهر میبرد و زاندامی را با خبر کرده متعاقب آن یک کامیون زاندام
 آن ده میفرستد. چهار ماه بعد از زده خورد باز زاندامها به دهات اطراف و
 به پناه میبرند و در نتیجه زاندامها موفق به دستگیری هیچکدام از شان نیستند
 با قاتلین نمیشوند. از این روی کامیون سرباز به کله زاندامها گسیل میدارند
 و نتیجهای نمیگیرند. بناچار زن و بچه های قاتلین فراری آورده و مورد اذیت
 و آزار قرار میدهند. مردمان فراری مرمیک از ماجرا با خبر میشوند. تصمیم به بازگشت
 زاد کردن زن و بچه هایشان میگیرند که دوباره برخوردی بین آنها و زاندامها

وسریازها رخ میدهد که منجر بر خوی شدن چند سریاز و دستگیری قاتلین فراری میشود. جالب اینجاست که هر وقت از آنها بازپرسی میکنند که چه کسی زاندام را کشته است؟ همه میگویند من. تا چندی پیش هیچکدام حاضر نشده بودند که تصویر را بگردن دیگری ببندازند. هر يك با دلاهی مختلف مثل قهر و خشمی پاک خدا و یادشمنی با زاندام میگوشتد چرم قتل را بگردن خویش ببندازد.

چند نکته قابل توجه:

۱- پس از اینکه زاندام و سریازها میریزند بقیه فامیل، جنازه که خدا را با احترام به خاک میسپارند و باقیمانده گندم را هم جمع میکنند و سفوفی میمانند. آنها سرپرستی خانواده، زندانیان را میبهد و گرفتارند و گفتارند هرگاه رضاخان را ببینیم، او را همانجا میکشیم. از اینورها خان فراری است و چندی قبل معلوم شد که از ترس خودش را به بهانهای زندانی کرده است.

۲- کشته شدن این زاندام بی جهت نبود فاست زیر زمانی که زاندامها وارد ده میشوند مردم برای آنها مخصوصا برای زاندام کشته شده، مرغ سرخ میکنند و تریاک تهیه میمانند و دههای هم بآنها پول میدهند وای علیرغم همه اینهاوی بیشتر سخت گیری و اجاجت میکند است. حتی چند مرتبه هم مردم بابتکته بودند: "از این کارها پست دست بردار اینقدر رذیلت نکن. برایت کران تمام میشود". ولی از آنجا که زاندام میزیراز رضاخان پست گری داشته بروی خودش نمیآورد. در آخرین لحظاتی که مردم او را تکه تکه میکنند پول های نقد و سلعت و کیف و چیزهای دیگرش را بر میدارند و تا کمین هیچکدام را پس نداده اند.

* * * ((اخبار و گزارشهای دانشجویی)) * * *

گزارشی از

اعتمادات آذربایجان دانشگاه تبریز
 شکوفایی مبارزات توده‌ای در سال ۵۰ که سرآغاز فصل نهمین
 مبارزات صلحانه خلق را نمود، میدان خنجر به جهش کیفی آگاهی طبقات
 مختلف مردم، به‌ویژه قشرهای روشنفکری و خصوصاً دانشجویان گردید. عناصر
 آگاه دانشجویی که گروهی از آنان راه حق می‌توان روشنفکران انقلابی لقب
 داد با پویا نمودن اعتمادات و تظاهرات دانشجویی و بسیج و لوکراسه
 از مبارزات ضد امپریالیستی را بردوش کشیده‌اند که نمیتوان بی تفاوتی از
 آن گذشت. در دانشگاه تبریز مبارزات دانشجویی از سال تحصیلی ۵۰-۴۹
 اوج تازه‌ای بخود گرفته است. در آن سال کنیروائی شهید (از گروه آرمان خلق)
 هارانش اولین اعتماد جدی و موثر را در سالهای اخیر رهبری کردند که پس
 عکس العمل حفریت آموز و خشن رژیم رهبر شد. اکثر رهبران اعتماد دستگیر
 شدند که گروهی از آنان در این اواخر از سر بازی برگشتند. دو سال تحصیلی
 ۵۱-۵۰ اعتماد دانشجویان فزونی پیش‌آید. محرمین ترین و حادثه‌ترین اعتماد
 دانشگاه تبریز در اسفند ماه ۵۱ روی داد که اثرات خود را تا سالها در
 تظاهرات دانشجویی سراسر ایران حفظ خواهد کرد. بطوریکه هیئت‌دار
 صاحب‌ای که در لندن با خبرنگاران ترتیب داد مجبور شد که ساله کشته شدن
 ۱۵ نفر از دانشجویان را بعنوان شایعه مطرح کرده و آنرا انکذیب نماید.
 جالب‌ترین پدیده در تظاهرات دانشگاه تبریز اسفند (مهر) ۵۱
 اکثر دانشگاههای دیگر) ماهیت صرفاً سیاسی تظاهرات بود، که این خود نشانه

----- جنگل صفحه ۲۱

يك تحول گیتی در مبارزات دانشجویی میباید • کمترین تأثیر تظاهرات
دانشجویی اینست که سبب ازدیاد آگاهی و کینه دانشجویان به طرف
و دترواز جریانات سیاسی میگردد •

دلمای دانشجویان مبارز که از کینه مقدس مال بود از زمان
اوایل سال دبی بهنامی برای انفجار بود • گروهی از دانشجویان
ساکن کوی ولیعهد که علائق زیاد (مادی و معنوی) آنها را بهم پیوند میدهند •
از اوایل سال با شرکت واحد درگیری پیدا کردند • چندین بار مشاهده شد
که بر سر تأخیر اتوبوس یا ناراضی هائی از این قهیل بهین دانشجویان و
راشته ها اختلاف و درگیری پیش آمد و در نتیجه از دادن پلیط خود داری
نمودند و سروکارشان با پلیس و کارتری افتاد و بعضی کلاسها دانشجویان
از پاسخ دادن به حضور ضیاب خود داری میکردند و بالاخره ناراضیهای
دانشجویان از کمبود جا و رفاهای طویل سلف سرورس که گاه نیم ساعت تا
به ربع وقت دانشجویان را راه در میداد منجر به طرح نقضای شد که
بموجب آن حدود ۱۴ نفر از دانشجویان وقتی سینی حاوی غذایشان را
در ریافت کردند دست جمعی آنها به هوا پرتاب کرده که منجر به شکستن
ظرفها شد • این عمل عیناً در سالن بزرگ سلف سرورس و کمی بعد با شدت
بیشتر در سالن کوچکتر تکرار شد • اینکار در جریان اعتصاب نیز چندین
بار تکرار گردید • بدینال این ماجرا مسئولین مربوطه بعنوان يك مسلسل
هدانگیزیهای اقدام به افزایش محللای بهفر غذا از ۲ به ۳ گذردن طبقه
دوم سلف سرورس نمودند • سپس طرح ناگامی پیش آمد که برای اخلاص پشتیبانی
از مبارزات اهراب علیه صهیونیستها در گرماگرم جنگ رهان طرح ریزی شده

----- جنگل ----- صفحه ۲۲

بود. این تجربه نماینگر این واقعیت است که هر مبارزهای در هر سطحی باید در پروسه خود ابتدا مراحل کمی را طی کند تا بالاخره به یک تحول کهنی دست یابد. اصولاً یک فصیحان ریاضیات اعتصابی... کوچک، آمادگی و جو هیجان آلود لازم را برای یک مبارزه بزرگتر بدنبال میآورد ولی بدون این زمینه ها طرح ریزی یک تظاهرات یا اعتصاب یا انقلاب وسیع اگر غیر ممکن نباشد حداقل بسیار مشکل است. بالاخره روزه آذر پیش آمد کسه صادق با پنجشنبه بود (در این روز اکثر کلاسها تعطیل هستند).

گرچه نوشته های روی دیوارها که بعضی روز اعتصاب راه آذر و بعضی ۱۷ آذر (شنبه) اعلام میکردند یک نوع بلا تکلیفی ایجاد کرده بود ولی در روز پنجشنبه اعتصاب شروع شد و ده های از دانشجویان دانشکده فنی که کلاسها را تعطیل کرده بودند از ساختمان دانشکده خارج شدند و همراه ده های از دانشجویان سایر دانشکده ها که در جلو ساختمان کتابخانه مرکزی بودند شروع به تظاهرات کردند. شعارها هم همان شعارهای معمولی سیاسی بود: "اتحاد، مبارزه، پیروزی" یا "آبادی بهشتی روی آزادی، زندانیان سیاسی: آزاد ما، آزاد و زندانیان ما را آزاد اگر نمائید، تا آخرین دقایق انبانی نشینیم" یا "باز جدیدتر آزادگان زندانند، زندانیان جلاوند و مرگ بر جلا" یا "ما هم زندان یا هم آزاد" مرگ بر این نظام آموزشی که در پرتو شعارهای حاد سیاسی کمزور ترشد و از بین رفت و برای اولین بار شعار "مرگ بر دیکتاتوری، رضاشاهی" داده شد که به دنبال آن مانور سریع کار شد و شورش که از ساختمان اداری به سمت بیرون جمع شدند و در مقابل آن صف کشیدند شروع شد.

جنگل ----- صفحه ۳۳

(گرچه پلیس ضد شورش بعد از اختراعات خونین اسفند ۵۱ به تبریز آورده شد ولی این اولین بار بود که وارد عمل میشد.) و بعد فرمان حمله صادر شد که فرار دانشجویانی را که در محوطه دانشگاه برانگشته بودند و هنوز به صف تظاهرات نپیوسته و آمدند بودند سبب گردید.

تظاهرکنندگان نیز برخلاف سال گذشته مقاومت ننموده و دسته جمعی فرار کردند تا در منطقه دیگری به تظاهرات ادامه دهند. تجارب سال گذشته در مسایل ارتدادی به هردو طرف آموخته بود. دوسه روز مانده به روز دانشجویان تمام سنگهای موجود در محوطه وسیع دانشگاه توسط دهها کارگر جمع آوری شده و به بیرون انتقال یافته بود. به محض شروع تظاهرات درهای همه ساختمانها بسته شدند و مقابل هر ساختمان ۱۰ تا ۱۵ پلیس بایک افسر که اکثرا از روسای کلاسهای تبریز بودند مستقر شدند. شش که از چندی قبل منتظر انتصاب بود تمام مقدمات لازم را برای سرکشی آن فراهم کرده بود. از همان آغاز از طبقات بالای ساختمان اداری شروع به حکمبرداری کردند و تمام مناطقی که احتمال میرفت دانشجویان از آنجا به خیابان یا باغهای پشت دانشگاه فرار کنند، توسط پلیس اشغال گردید.

تاکنیک جدید پلیس این بود که گروهی از افراد پلیس را به سه یا چهار ستون تقسیم کرده و آنها میکشیدند تا از چند طرف به تظاهرکنندگان حمله کنند و آنها را محاصره نمایند. و تنها حسابگری دقیق بود که دانشجویان را از محاصره حتی پلیس رها نمی داد. اگر چه گاه، گروهی از افسران از دانشجویان که موفق به فرار نمیشدند توسط مأمورین پلیس مورد حمله

----- جنگل ----- صفحه ۳۴

قرار می‌گرفتند ولی در عمل اکثراً مجبور نشدند و برخلاف سال گذشته کسی کشته نشد و هزاران فرد پلیس دستور داشتند که از زدن به نقاط حساس بودن از حمله سرخورداری کنند. از آن به بعد دانشگاه تهدید به پایگاه نظامی شد و اتومبیل‌های پلیس خیابانهای دانشگاه را جولان گاه خود قرار داده بودند. درگاه گروهی از افراد پلیس پیدا می‌شدند توسط دانشجویانی که در مقابل کتابخانه یا سلف سرسریاد دانشگاه قرار گرفته بودند هم می‌شدند. تعقیب این عده توسط پلیس و مسأوی بودند توسط گروهی دیگر بود. بدینگونه این کندی تراز یک روز شنبه و دیگر روزها تکرار شد. کلاسها همه تعطیل بودند ولی پلیسها توجه به تظاهرات گشته هرگونه تظاهراتی را در نقطه خفه میکرد و هرگونه تجمعی حمله می‌نمود و اکثراً افراد بی‌گناه می‌خوردند که در تظاهرات شرکت نداشتند. گاهی میشد که دانشجویان در دانشگاه هار خود جمع شده و شعار میدادند. شعارهای که در این میان تازگی داشت خود نشان رشد نمایی کردند و انحصار بود شعار این بود: "پلیس تو بیگانه‌ای فرماندهیت مزد پرست." کسه مسافانه زیاد پیکمیر نشد.

اکثراً صحنه تظاهرات بود و پلیس را از بناگاهشان بیرون میکشاند و جنگ و گریزی که قیلاذ کردند سوق میداد و بعد مدتی شعارها و فریادها و تعقیب و پیگیری و فاصله ظهور دانشجویان در سلف سرویس اجتماع کرده و شعار میدادند و غذا را به هوا پرتاب کرده و دسته جمعی بیرون می‌آمدند و تا اینکه دانشجویان احساس کردند که با جوی که پلیس در محوطه دانشگاه ایجاد کرده امکان ادامه اعتصاب وجود ندارد و با توجه به اینکه شهر تقریباً

از پلیس خالی شده بود و تصمیم گرفته شد که تظاهرات به شهر کشانده شود. این تصمیم کاملاً بجا و موثر و گامی در راه گسترش تظاهرات در میسان توده های شهری بود که البته در جویلیسی موجود، این یک اقتصاد کم گستاخانه بود. در اولین قرار تعداد افراد باند از کافئ نرسید و در دومین روز قرار در چهار راه شبناز (مرکز شهر) بود. ساعت ۲/۵ وقتی افراد حاضر به اندازه کافی رسید تظاهرات از مقابل سینما ایران در خیابان به بلوی شروع و سراز طی خیابان فردوسی (که معمولاً پر جمعیت است) به چهار راه تربیت منتهی گردید. عده افراد که در ابتدا حدود ۶۰ نفر بود بعد از رسیدن راه به حدود ۲۰۰ نفر رسید و شعارها بیشتر رنگ مذهبی و مردمی داشت: "مردم به مامور شود"، "اللاکبر"، در اینجا پلیس کاملاً غافلگیر میشود و تعداد در چهار راه تربیت است که گروهی از افراد پلیس می پیروند و تظاهر کنندگان فرار میکنند. از آن به بعد پلیس در آن احوالی هر کس را که حدس میزد ممکن است دانشجو باشد دستگیر میکند. در میان دستگیرشدگان افراد خیلی و میبندند زیاد دیده میشوند. به یک دانشجویی هم به علت شباهت کتابهایش به جزوه های درسی دانشگاه دستگیر شده بود. میگویند در چنین انتصاب و گروهی از افراد پلیس با لباسهای گماشته شده بودند تا دانشجویانی را که فرار میکنند کشتن بزنند و هم این عمل را مردم تسبیح دهد. اینان در مقابل دانشگاه ها بازار باناشی کثیفی قدم میزدند و نیز عده ای از افراد تعلیم دیده بودند و کاراته و در بازار دستشان را در مچهای بلند جوانانی که حدس میزدند دانشجو هستند فروبرده و به شدت تکان میدادند و پس از اینکه فرد تعدادش

را از دست میداد و با پشت پا به پشت زانوی فرد زده و او را بزمین انداخته به پلیس تحویل میدادند. • باین ترتیب حدود ۲۰ نفر از دانشجویان دستگیر شدند. • بالاخره سلطانی رئیس دانشکده فنی و دانشجویان آن دانشکده را به آغوش تاتر دانشکده دعوت میکند و سر از سخنانی توأم با تهدید و تطمیع از آنها انگیزه انتصاب را جویا میگردد که در مقابل و با یک پیشنهاد شش ماهی داده میشود که حاوی پیشنهاد آزادی دانشجویان زندانی عدم دخالت پلیس در دانشگاه و عدم دخالت ساواک و پلیس در امور آموزشی دانشکده بود. • باین ترتیب دانشجویان فنی تصمیم میگیرند تا حصول نتیجه به سرکلاسها بروند. • با این حال گروهی مخالف با این اقدام باز و آغوش تاتر شروع به دادن شعار نموده و آنجا را با حالت اعتراض ترک میکنند. • بهر حال تصمیم اکثریت (که از عضویتی دیگر هراس داشتند و در میان دلالت خود ضافه شخصیشان را هم بحساب میآوردند) این بود که سرکلاس بروند و مرکب راکه بخواهد کلاس را تعطیل کند دسته جمعی کتک بزنند و که این ناشی از روحیه انتظاره کارانه و سازشی کارانه این عده بود. • بدین علت برنامه تظاهرات در بازار نیز لغو شد تا پاسخ مسئولین بخواسته های دانشجویان روشن گردد. • بدنبال این اولتیماتیم که مجدداً روز شنبه هفته بعد بود دانشجویانیکه در جریان انتصاب دستگیر شده بودند به تریکفر همگی آزاد شدند و پلیس هم بعضی آراش دانشکده و مواضع خود را ترک کرد و از چشمها مخفی شد. • عدم حضور اکثر دانشجویان در سرکلاسها باعث شد که بررسی دانشکده ها دستور داده شود که دانشجویان را جابجایی کرده و با آنها صحبت کنند و آنها را با تهدید و تطمیع به سرکلاسها بازگردانند.

در این اجتماعات نیز پیشنهادات کمی مشابه توسط دانشجویان فنی داده شد که رؤسای دانشگاه ها آن قسمت‌هایی را که مربوط به خودشان می‌شد پذیرفتند ولی اظهار داشتند که ساله آزادی زندانیان و عدم دخالت پلیس در دانشگاه‌ها از صلاحیت آنها خارج است. این اظهارات باعث تشدید اعتصاب شد که بدنبال آن در ۲۷/۱/۵۲ نامه‌ای با امضاء روسای دانشگاه ها با واریای دانشجویان ارسال گردید که عدم حضور دانشجویان در سرکلاس‌ها منجر به محرومیت آنها از ادامه تحصیل در دانشگاه خواهد شد که تأثیر چندانی در او^تها ع^تند. ۰۰ به دنبال آن اولتیماتومی خطاب به دانشجویان در دانشگاه های مختلف باستتای فنی و ادبیات زده شد که بموجب آن از صبح چهارشنبه ۲۸/۱/۵۲ عدم تشکیل کلاس موجب تعطیل آن از روز شنبه اول دیماه میشد. در ضمن در این اعلامیه هر کس مانع از تشکیل کلاسها میشد تهدید به محرومیت و اخراج میگردد. این تهدید از اول دیماه بهرورد اجرا درآمد. (زیرا کلاسها اکثر روزهای چهارشنبه پنجشنبه تعطیل بودند) شرط تشکیل کلاس حضور حداقل یک نفر دانشجوی در کلاس بود و در صورت عدم تشکیل هر کلاس دانشجویان در همان درس^ت می^تشدند. این محرومیت و لغو در چند واحد شامل اکثر کلاسها شد (باستتای دانشگاه ادبیات که اکثر کلاسهای^ت لا^ت با حضور^تی از دانشجویان آن دایر بود) بعد از آن شورای دانشگاه تبریز تصمیم گرفت که امتحانات دانشگاه فنی را به تبع^ت م^تکول کند تا از اعتصاب احتمالی به سبب سالگرد تظاهرات و اعتصابات خونین اسفند ۵۱ پیشگیری شود. همچنین سالهای ۲۰ و ۲۱ پزشکی و طب

----- جنگل ----- صفحه ۲۸

و بعضی از کلاسهای کشاورزی و تربیتی و علم داری نیز کلا محرم شدند.
 با وجود این، دانشجویان قرار گذاشتند که سه حد و سه اسفند در یکی از
 بازارهای شلوغ جمع شده و برای شباعت رفاقتشان دست به تظاهرات بزنند.
 یکی از نکات جالب در اعتصاب امسال دانشگاه تهران، تاکتیکهای
 دانشجویان و هم چنین پلیس بود. تحول دیگر چشمداشتی بود که بعضی
 از دانشجویان از این اعتصاب داشتند، یعنی آنها قدهای برای یک مبارزه
 همگانی و گسترده میدانستند. تظاهرات دانشجویان تایید و نشان و کره...
 در امسال که منجر به تحولات سیاسی مهم از جمله تغییر نخست وزیر و دولت
 شد، برای خورشید باوری افزوده بود که این خود ناشی از ساد و اندیشی و پائین
 بودن بینش سیاسی آنان میباشد. حتی عدهای میبند داشتند که سازمانهای
 مخفی در این تظاهرات دست دارند و ساز اوچگیریان و رهبری مبارزه را
 انقلابیون عهد و دار خواهند شد و بدین علت مانع رکود اعتصاب که ابتدا
 بخاطر ریز دانشجویان آغاز شده بود میگشتند. نکته مهم دیگر ساله ضعف
 رهبری بود که گاه دچار ناپسمانی میشد و اصولا اعتصاب با شیوه های علمی
 و حساب شده (بجز در یکی دو مورد) رهبری نداشت و سازمان دهندگان
 اعتصاب در سطح دانشگاه و پادانشکده ها از تجارب کافی برخوردار نبودند و
 تا مهمترین شرط مبارزه را که هر چه بیشتر ضربه زدن و هر چه کمتر ضربه
 دیدن باشد رعایت کنند، باید توجه داشت که در شرایط پلیسی سازمان
 دادن و رهبری اعتصاب کار پیچیده ای است. زیرا از یکسو باید همه رهبری
 مخفی باشد و از سوی دیگر ضرورت تماس علنی و فعال با دانشجویان مطرح
 است. در اینجا آمادگی شرایط ذهنی و مسیر دانشجویان تا حد زیادی

----- جنگل ----- صفحه ۳۹

ضعف رهبری را خنثی میکند و بسیاری از مواضع در اثر همان حرکت خود بخودی از میان برآفته میشود و گاهی است که جرعه اولیه زده شود • جالب توجه است که به علت جو پلیسی و گاه دریاچند گروه بطور جد آگاه با بخش اعلامیه دعوت به اعتصاب میکنند که اختلاف در تاریخ اعتصاب مربوط به ۶ آذر همین سال است • مساله جالب توجه دیگر اینکه اکثر دانشجویان با کمال میل تن به محرومیت میدادند و حاضر به هر نوع فداکاری تا پای جان بودند و شکست اینکه اگر تبلیغات صحیحی بعمل آید میتوان بسیاری از دانشجویان را که اکثرا به کم اثری این نوع تظاهرات پی بردند ولی هنوز بضرورت مبارزه مسلحانه کاملاً واقف نشده اند پراست • صریح علمی مبارزه کنند هر چند که اکثر رهبران اعتصاب به چنین ضرورتی واقف هستند •

در پایان اعتصاب بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان دستگیر شده بودند و در جلو در ورودی همه کارتها را کنترل میکردند تا افرادی را که اسامیان در لیست است دستگیر کنند • این کنترل بعداً در مقابل دانشگاه ها و کوی ها نیز اعمال میشد و هنوز هم پلیسها لیست های جدید تری که تنظیم کرده است با اهدای از دانشجویان فعال را دستگیر میکند و نیز را بخشی میداند که اینان پشتوانه های مطمئن انقلاب هستند • جالب ترین مساله درگیری هسته کننده پلیس در مدت طولانی است که افراد پلیس را در زیر فشار شدید روحی قرار داده بود و بارها دیده شد که افراد پلیس که خود بخشی از توده بودند و اکثراً در میان دانشجویان و آشنایان خویشانی دارند از وضعی که برایشان پیش آمده بود ابراز نارضایتی کرده

..... جنگل --- صفحه ۴۰

اظهار نمودند که اگر امکان استعفا داشته باشند از شغل خود کسار
 هند رفت. حتی در چند مورد دیده شد که افراد پلیس از دستورات
 مافوق سرپیچی کردند. از جمله انصری که مامور دانشگاه ادبیات بود از
 کارهای دانشجویان خود داری میکرد. افسردیگری لیست اسامی
 دانشجویانرا به پاسهانی سپرده و خود در تریای دانشگاه فنی با دانشجویان
 گرفته بود و اسامیان مزبور هم لیست راه دانشجویان نشان میداد و میگفت
 ببینید اسم شما در لیست هست یا نه.

يك نفر از افرادی که در قرارگاه گارد بازداشت شده بود به پسنرای
 پای پلیس از کسیکه به عنوان محافظش گذاشته بودند می پرسید: "سرکارها
 ما چه خواهیم کرد؟" او که کوئی منتظر جرقهای بود تا مشتعل شود شروع
 شرح اشتباه کارهای رژیم کرده و بالاخره از وضع خود شکایت میکند که بخاطر
 نان بخور نمی توانم با شما پلیس درآمده و استعفا بخواهم بزنم. پس از آن
 ی دانشجوی مزبور می پرسد که آیا امکان دارد نماز شما را بخواند او وی را در
 سر می کشد و میگوید: "قرائت شما چرا نمیتوانی؟" به گفته بودند که شماها
 کافر و لا مذهب و میانش هستید. چون با اکثر افراد دستگیر شده یکی دو روز بعد
 به پل می دادند تا به شهرستان بروند و تعهد میگرفتند که بازنگردند.
 اکثر افراد پلیس با گارد که همراه دانشجویان فرستاده میشدند رفتار
 مانی و خراب داشتند.

در پایان بهتر است به چند اظهار نظر در مورد اعتصاب اشاره
 بد:

۱- سیاست دانشگاه آکتر نظر موافقی با دانشجویان داشته و حمایت خود را

----- جنگل ----- صفحه 41

از هدفهای دانشجویان علنا اظهار میداشتند ولی گاه با شیوه عمل آنان مخالفت میکردند. به گفته یکی از آنها: دانشجویان بیشتر بخود صدمه میزنند. و اظهار میداشت که بهتر است دانشجویان سر کلاس حاضر شوند و در فاصله ظهر یا بعد از ظهر یا بعد از تعطیل کلاسها به تظاهرات بپردازند. یکی دیگر از استادان که به تازگی از اروپا برگشته بود از عدم اعتماد موجود در محیط دانشگاه حتی در محیط کلاس اظهار شکفتی میکرد و میگفت با این نحو چگونه میخواهند کاری صورت دهند. وی با آرائینهای دانشجویان موافق بود ولی اظهار میداشت در ایران امکاتسی برای انقلاب وجود ندارد و باید با اصلاح فردی پیشرفت. تعدادی از روشنفکران و بازاریان در عین اظهار همدردی با دانشجویان، به ناپرهیزی نبروها اشاره میکردند.

«هیچ مرگی بیش از در سنگر ماندن و شلیک نکردن

زود رس نیست.»

----- فدائی شهید پرویز پویان -----

----- جنگل ----- صفحه ۴۳

- ۱۷ - هانمی شکن شهر
 ۱۸ - سید احمد خراسانی ایرانشهر
 ۱۹ - کرمانی زندان تهران
 ۲۰ - آیه الله ربانی شیرازی زندان تهران
 ۲۱ - محمد لیب همدانی شهر بابک یزد
 ۲۲ - امید نجف آبادی زندان تهران
 ۲۳ - غیری سیرجان
 ۲۴ - طباطبائی زندان و تحت شکنجه
 ۲۵ - علی جنتی کرمانی اسلام
- «آقای سید حسین آیت اللهی پسری از چندین شیراز را در جرم دستگیر کرده اند.» (نامبرده در ۱۵ خرداد نیز یکبار دستگیر شد و که با حکم العمل و اعتصاب شدید مردم و پروگردیدند در دستگیری اخیر برای جلوگیری از افشاش و پلش اول شهر را کنترل میکند بعد چند نفر را به عنوان پرستش مساله دینی به نزد ایشان میفرستد. در موقع بردن آقا اطرافیان میکنند مام با ایشان خواهیم آمد. پلیس برای جلوگیری از سیر و صدا آنها را نیز همراه آقا به شهر رانی میرود و سر از تهدید، اطرافیان را آزاد کرده و آقا را به شیراز میبرند که تا بحال هیچ خبری از ایشان نیست.»

ســـرود

ز خون ، ز خون ، ز خون ، ز خون
 ز خون پاک رهروان راه حق جوانه های انقلاب جان گرفت
 : ره های انتقام توده ها بهرین وجود دشمنان گرفت
 به بامداد انقلاب ، به بامداد انقلاب ، شهید د رمیان تیرگی دمید
 آ ز غرق روشنش (فضای تیره جهان شود شهید) ۲ بار
 دل تو هم وطن پر از امید باد (طلوع صبح صادق تیره باد) ۲ بار

* * * * *

رای خود ، ز جای خود
 ز جای خود به خیز و عهد راستین ، وفا نما بخون و غم آهنین
 م کن که دست قدرت خدا برون شود ز آستین توده ها
 ز آتش سلاح ما ، ز آتش سلاح ما ، وجود د یو بد کش بخون تمید
 و عیب و انفجار (ز انقراض دشمنان د هد نمید) ۲ بار
 (بیا بیا ، که انقلاب راستین بیا شود ز نهضت جاهدین) ۲ بار
 فشم ما ، ز خشم ما
 ز خشم ما که رمز خشم ملت است ، شود گسسته بند های انقیاد
 بهاد ما گشوده راه زندگی ، که زندگی بود عقیده و جهاد
 وله های آتشین ، گلواه های آتشین ، به آتش انکند وجود دشمنان
 غریو فتح انقلاب (رسد زمزمین ما به آسمان) ۲ بار
 زهر کران رسد سرود آفرین جاهدین ، جاهدین ، جاهدین (۲ بار

----- جنگل ----- صفحه ۴۵

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX (اخبار و گزارشات رسمی) XXXXXXXX

*) مساله محیط زیست سالم برای شهرهای اروپا و آمریکا بسیار با اهمیت است بطوری که کنترل وسیعی بر روی فاضل آب شهرها و در کشورهای کارخانجات و ... منماینند و سرمایه داران را وادار میسازند با هزینه های زیاد از میزان آلودگی این زیواید بکاهند و در بسیاری از موارد جلوی پاک واحد تولیدی را میگیرند که محیط زیست سالم بماند . روی این اصل بسیاری از این کارخانجات بکشورهای در حال توسعه و فقیر منتقل میشود . در این کشورها نیز هزینه حفظ محیط زیست ، به وسیله مالیات و عوارض بدوش توده مردم گذاشته میشود تا سرمایه دار براحقی بتواند با ارزشترین هزینه تولید سرمایه خود را بگردش درآورد . در این خصوص یکی از مسند سین کارخانه "بایر" میگفت : شرکت هوشتم آلمان که یکی از بزرگترین تولید کنندگان مواد شیمیائی است قسمت زیادی از مواد شیمیائی خود را در تهران تهیه میکند و تمام دنیا میفروشد بدون اینکه هتسرف کنندگان بدانند که در تهران تهیه میشود .

*) جزیره لاوان عملا در اختیار شرکت آمریکائی (لایکو) میباشد نقش عمده را در استخراج نفت ، آمریکائیان بعهده دارند . تعدادی مهندس و کارشناسان ایرانی نیز در آنجا خدمت میکنند که از نظر حقوق و مزایا بسیار وضعشان خوبست . یک جت برای ایاب و ذهاب کارکنان اختصاص داده اند و آنها را برای رفتن به جزیره (حتی مهندسین را) با زورسی بدنسی میکنند . جزیره حدود ۳۰۰ نفر بومی دارد که از طرف تاسیسات نفتی بآتم

----- جنگل ----- صفحه ۴۶

آب و برق مجانی داده شده است. این شرکت آمیکائی - ایرانی نیروی کار آنها روزانه حدود ۸۰ هزار هزینه کرده و آنها را مورد استثمار قرار می‌دهد. مهتر از همه اینکه کشتی‌های آمیکائی و اسرائیلی به‌شهر رانند که بحران انرژی گریبانگیر دواشهای فریبی و هم‌طور اسرائیلی شده است، مقادیر زیادی نفت از این جزیره بازگیری کرده اند. *

(*) اخیراً رژیم درخشش وزیر کابینه امینی و نماینده* معلمین در سال ۴۰ را مامور زمینه سازی برای تشکیل يك تشکيلات با اصطلاح ضد دولتی کرده است. درخشش وقتی نماینده معلمین بود بسیار محبوب بود و وقتی اقتصاد معلمین در سال ۴۰ زمینه سقوط کابینه شرف امامی را فراهم کرده می‌شود به خاطر مشی کلی دولت جدید که عبارت بود از جمع کردن افسران نسبتاً وجهه الله و محبوب در کابینه و درخشش را نیز وزیر فرهنگ خود کردند. درخشش پس از سقوط کابینه امینی باز نشست شد. برای ماموریت فعلی و درخشش و همکاری با يك قسمت از افراد سابق جبهه ملی و سرشناسان نسبتاً محبوب را تهیه کرده و سرانجام در حال تماس و جلب همکاری و شرکت آنان در تشکيلات جدید هستند. چند جلسه سخنرانی در باشگاه بانک سپه بوسیله درخشش برای عدمی از افراد مورد نظر ترتیب داده شده است. تا بحال عدمی از همکاری خود داری کرده اند ولی تهیه افراد مورد نظر در مجموع اصطلاح^{طلبان} و فرصت طلبانی هستند که بی میل بدین کار ما نمی‌باشند. تاکنون حدود ۵۰۰ نفر که اکثر آنها استاد دانشگاه و قاضی و غیره هستند (از جمله اعضای مرکزی گروه دکتر عنایت‌پوری پیوسته اند)

..... جنگل ----- صفحه ۴۷

ضمناً بدنبال دکتر نجایی از اعضا سابق جبهه ملی نیز رفته اند ولی وی حاضر به همکاری نشده است. شاه در یکی از سخنرانیهای چند ماه پیش خود از تشکیل احزاب جدید حمایت کرد. اما باید دید چرا رژیم باین کار زده؟ علت آن را بطور مستقیم باید در شروع مبارزه مسلحانه و تدابیر و بقا آن جستجو کرد. رژیم بارها از مشی اصلاح طلبان و منحرف کردن مردم توسط آنان سود برده است. در آمریکای لاتین چه حال چه گذشته مشی اصلاح طلبان بود در برابر جنبشهای چریکی. (مانند برون در آرژانتین) در ایران درست است که رژیم با بستن هرگونه راه مبارزه زورمستی تا مدتی خود را آسوده از گزندهای زبانی و قلبی زورمستمسما کرد ولی از طرف دیگر راه را برای مبارزه مسلحانه کاملاً هموار نمود. در افتادن بار زورمستیم هم برای رژیم تا همین جا سود داشت، یعنی تا آغاز وادامه جنبش. از اینجا به بعد رژیم در راه پیشترنداشت یاد افتادن به بار زورمستیم و در نتیجه کشاندن آنها به طرف مبارزه مسلحانه و مسما دادن امتیازات کوچک، تدبیری و کشتل شده وجد کردن آنها از مبارزه مسلحانه

* (از روی مظهاری نقل شده است که پرویز نیکخواه رئیس اداره سانسور شده است.)

* (یک روشی اخیر ساواک در مورد تحقیق و بازدید از خانه هالانست که در خانه هائی که دختران دبیرستانی (۱۶ ساله به بالا) هستند به عنوان خواستگاری وارد خانه میشوند و خود را دگر میهند و سجا میزنند و بدین

----- جنگل ----- صفحه ۴۸

طریق خانه های شکون و افراد آن مورد بررسی قرار میگرفت و حتی در پرد خانواده های مذهبی، خود راناز خوان و نذر بگمیرستدین وانمود کرده و در مورد خواستگاری اصرار میوریزند *

۵) هواپیماهای جت بوئینگ شرکت ملی هواپیمائی ایران مطابق تراادهائی که بین ایران و کشور آمریکا در جریان خرید یا اجاره آنها شده است، سرپس یواز پد های فنی بعد از پرواز و همچنین تعمیرات جزئی و متوسط آنها در اسرائیل صورت میگردد و تنها برای تعمیرات مهم و اساسی به هامبرگ آلمان فرستاده میشوند *

۶) به وارد کنندگان میوه از مرز پاکستان دستور داده اند میوه های وارداتی را باید بدون استفاده از جعبه و بصورت باز (قله) وارد نمایند. تا کنترل آنها میسر باشد. این تصمیم عملا خسارات زیادی بر وارد کنندگان وارد میازد زیرا تمام میوه های (نظیر نارنگی یا پرتقال) که در شیراز هستند لهو خراب میشوند لذا این عمل مورد اعتراض شد و وارد کنندگان مزبور قرار گرفته است. این سخت گیری ها که ناشی از گسترش جنبش مسلحانه خلق بلوچستان و از ترس ورود سلاح و مواد نظامی بداخل ایران صورت میگردد نشان دهنده این واقعیت است که با شروع و گسترش جنبش مسلحانه در ایران عملا رژیم ایران رود روی تمام قشرهای اجتماع رفته و خشم آنها را برخواهد انگیزخت *

*) يك مسافر كه خود اهل زابل است به زابل مسافرت كرده بود تعريف ميكرند كه او را بشهر راه ندادند * بگفته وي مرز شلوغ است و شاهسند چركهاي بلوچستان بايںطرف نفوذ كرده و دماي راباخود همراه كرده باشند * بهر حال دولت از يك طرف با توطئه سكوت و از طرف ديگر با شدت عمل در اين منطقه عمل ميكند *

*) در اطراف شعراز در نزديكي كانزون ارتش مشغول ساختن انبارهاي متعدد مهمات است * هريك از اين انبار ها در دل كوه و تپه تاسيس شده كه همچوا توسط گود ها پاتيه هاي اطراف استتار شده اند * هيچا در تپه هاي اطراف پادگان كانزون از قديم زافه هاي مهمات وجود داشته است *

”خلق ما را در سراسر دنيا آواره كردند تا ناپود كردن ما
آسانتر باشد ولي ماشد هم مثل آن موجود افساناي هفت سر
كه هر سر او را ميكنند سرد بگري بيرون ميآورد و ما ناپايد هر
هستيم * “

----- كمال عدوان رهبر شهيد فلسطيني -----

فساد و غارتگری دربار و درباریان.

*) گزارش نیراز اطلاعات یکی از کارگزاران اشرف پهلوی اقتباس و تنظیم شده است:

یکروز جمعه چند نفر برای گردش بخارج شهر میروند * در آنجا یکی از کارگزاران اشرف پهلوی برشورد میکند * بعد از گفتگوی متوجه میشوند که اشرف مقداری زیادی زمین در بالای حصارک دارد که میخواهد شهری بنا کند و نقشه آنرا هم مهندسین ایرانی و آلمانی کشیده اند * در شمال شرق این منطقه اراضی وسیعی متعلق به شهرام و جنوب شرق آن متعلق به عبدالرضا و قسمت جنوبی آن از آن اقبال است * ده حصارک که در سه کیلومتری غرب فرحزاد واقع شده دارای ۷۵۰ نفر جمعیت میباشد * مالکیت این ده قبل از اصلاحات ارضی با حاج حسن ترک مقدم و لاجوردی بوده است * این سه نفر برای جلوگیری از تقسیم زمینها حاضر میشدند که دودانگه بر زمینها را به اشرف پهلوی بعنوان رشوه بدهند * پس از انجام این کار اشرف پیشنهاد میکند برای تسطیح این زمینها خواست که دودانگه بمس چند بریلانچیان که ماشین آلات مهندسی دارد بدهند * این پیشنهاد پذیرفته میشود و دودانگه هم به وی میدهند * اشرف با بالانچیان نوعی رابطه قرار میدهد بطوریکه شایع میشود آنها قصد ازدواج باهم و دارند * اشرف چندی بعد برای تصاحب زمینهای او دستور میدهد وی را بدریانداخته قتل کنند * پس از آن با دودانگه دیگر رفته و به مالکین آنها اخطار میکند که باید کار بروید و شخصا کایه زمینها را که بالغ بر ۹۰۰ هکتار میباشد تصاحب میکند * در این میان زود بخردی هم بین مردم و کارگزاران اشرف

----- جنگل ----- صفحه ۵۱

برجود می‌آید • گویند • چنین ادامه می‌دهد : اشرف ۱۵ هزار کارمند و حقوق بگیر دارد • از من گرفته تا عبد الرضا انصاری که رئیس دفتر والا حضرت است • آواز هر کس خوشش بیاید خلعت می‌دهد و از هر کس بدش بیاید می‌کند و لذا ما ۱۵ هزار نفر واقعاً جان برکف هستیم (یعنی اختیار چاهان با خود مان نیست) • و سپس گفت : اکنون هم اشرف مشغول زمین خریدن می‌باشد • از متری ۵ تومان گرفته تا ۵۰ تومان • شرکت یگان در جاده کرج هم متعلق به اشرف است و در کردان شاه اراضی وسیعی دارد • شهرام نیز که زمین‌بایش هم مرز زمین اشرف است • از جانب دیگر مشغول توسعه است وی گفت : اشرف می‌خواست ۷ تن دینامیت از شرکتی برای انفجار کوه‌های اطراف زمینش بخرد که فروشند • تعجب کرده و گفته است که تمام کشور ۷ تن دینامیت مصرف سالیانه ندارد و او وقتی فهمید • مال اشرف است از شرمش جانش حاضر به پول گرفتن هم نشده • سپس می‌گفت قرار است از این شهر که ساخته می‌شود یک خانه کامل بمن بدهند • من ماهی ۸۰۰ تومان حقوق می‌گیرم • البته همه ما مقداری هم دزدی داریم • مثلاً پالائی‌ها در مسبال ۳۰ هزار تومان و شرم هزار تومان دزدی داریم • بهر کجا بروم احترام می‌گذارند و کارمان را انجام می‌دهند • من از اینجا بایک تاقین به اراک از ژاندارمری می‌روم که کارهایم را انجام دهند • ضمناً از فرد دیگری که در این نواحی بود متوال شد که این زمینها مال کیست ؟ گفت مال اشرف • متوال شد چطور خریده ؟ خنده سردی کرد و گفت خدا لعنت بده کی برای این چیزها پول می‌دهد •

----- جنگل ----- صفحه ۲۵

« اطراف روستای حسین آباد و کمال آباد و ۵-۴ ده دیگر زمینها و باغها و شرکتهای شمس و ملوی قرار دارند » (اغلب جنوب خط آهن و شرق دهات) شمس و ملای مجلی برای خود ساخته و کارکنان فراوانی دارد . بگفته يك روستائی شبها افراد خارجی را دعوت میکند و مهمانی وانی میدهد . همه جا مال خودشان است و خوش میگردانند . او گفت سمینکه شروع به ساختن سد در طالقان کردند بهترین زمینهای زیر سد را شمرها قیمت کمی خریداری کرد . تنها محصول باغ سیب شمس را ۳-۲ این تومان فروخته اند و سپس باخته با نفرت گفت : « این ۱۰۰ هکتار است ، دیگر اسمش باغ نیست » . از او پرسیدم این زمینها را از با آورده . گفت : قبل از اصلاحات ارضی همه اینها مال شمس بود . بعد که اصلاحات ارضی شد نصفش را به دهقانان داد و نصف دیگر را خودش داشت .

از او پرسیدم این نصف زمین در بین چند دهقان تقسیم شده ؟
 واپ داد این نصف مال ۶-۵ روستاست ، که تنها روستای حسین آباد ۵-۴ هزار نفر جمعیت دارد . از روستا زاده دیگری در باره زمینهای شمس سؤال شد (البته آبادی او ۱۵ کیلومتر با زمینهای شمس فاصله داشت که لور مستقیم ربطی با آبادی آنها نداشت) . او میگفت : خرج زیادی کرده و شهرک مجلی ساخته اند ، بایک تپه که با حوضی قشنگ و چمنکاری زیبا بهشتی تبدیل شده است .

تورم و رشد تورم

تورم یا گرانی --- علل تورم راز حل‌های سرمایه داری برای آن :

گرانی و تورم امروز به عنوان يك مسئله اقتصادی واجتماعی

در تمام جهان سرمایه داری مورد بحث جدی قرار گرفته است. در کشور

ما نیز این مشکل چه برای اکثریت مردم و چه برای رژیم به عنوان مهم‌ترین

مشکل اقتصادی روز مطرح است.

هدف ما در این تحلیل اینست که اولاً علل پیدایش تورم یا گرانی

را مورد بررسی قرار دهیم و ثانیاً راه حل‌های دولتهای سرمایه داری برای

کاهش این مشکل را ذکر کنیم و چون در کشور خود به صورت حادی با این

مسئله روبرو هستیم، بنابراین علل تورم و برنامه های ضد تورمی دولت را در

ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تورم چیست؟ : تورم یا گرانی عبارتست از کمبود کالا در مقابل

فراوانی پول. اگر در جامعه‌ای کالا کم پول زیاد باشد تورم ایجاد می‌شود

و قیمت‌ها بالا می‌رود. (منظور تورم پولی است)

علل تورم در ایران :

الف - علل داخلی

ب - علل جهانی

ج - علل روانی

الف - علل داخلی تورم :

۱ - سهم گسترده پیروگرایی اداری (ادارات عرض و طول مختلف و

در دستگاههای مخابراتی (ارتش و شهربانی و ساواک و ژاندارمری و

----- جنگل ----- صفحه ۵۴

گارد های محافظ مختلف *

میدانیم که سرمایه داران در مقابل کار و انرژی کارگران که تولید جامعه بدست آنها ایجاد میشود مزد واقعی را بآنان نمیدهند و چون کار آن باندازه* ارزشی که ایجاد کرده اند (یا به عبارت دیگر به اندازه* تولیدی که کرده اند) پول بدست نمیآورند، بنابراین با پول بدست آمده فقط قدرتی از تولید را میتوانند خریده و مصرف کنند * قسمت دیگر سرمایه داران در دست سرمایه دار باقی میماند * سرمایه داران برای فروش این نسبت از تولید که اصطلاحاً * تولید اضافی* نامیده میشود دست بآید ایجاد نموده و بزرگترانی اداری میزنند و تا این دستگاه علاوه بر مصرف * اضافه تولید* حافظ ثبات وضع آنها بوده و برنامه ریزی و اجرای همیشه سرمایه داران را نیز تامین کند * حال می رسید چگونه این دستگاه اداری و

برای تارتی بلع گران می شود ؟ برای جواب به سؤال مثالی میزنیم : فرض کنیم در یک جامعه کارگران بازجستی که میکنند ۱۰۰ واحد کالا تولید میکنند * قیمت هر واحد در بازار را هم ۱ تومان فرض کنیم * سرمایه داران نیز جیباً ۶۰ تومان مزد بکارگران میدهند * روشن است که کارگران با ۶۰ تومان خرج ۶۰ واحد کالا خریداری و مصرف میکنند و ۴۰ واحد کالا در دست سرمایه داران میماند * سرمایه دار باید این ۴۰ واحد را به قشری بفروشد از آن راه سود بدست آورد * در ضمن بکسانی احتیاج دارد که برای پیش رنامه ریزی کرده و در مورد بالا بردن سود فکر کنند و طرح بدهند * به علاوه اول نیازمند ارتشی و پلیسی است تا نظام او را که مبتنی بر ادامه جریان سود است حفظ و کارگران را مطیع و در مواقع شورشی سرکوب نماید * ملاحظه میشود

که جنگلی این امر توسط " دستگاه اداری - مملکتی " انجام میشود خوب نگارند آن این دو دستگاه " اداری - مملکتی " از کجا پرسول بدست میآورند ؟ روشن است که دولت بآنها حقوق میدهد . دقت کنید اگر این حقوق مساوی اضافه تولید در جامعه باشد هیچگونه گرانی ایجاد نمیشود (در کشورهای سوسیالیستی چنین است . دستگاه اداری - نظامی در جهت خدمت مردم کار میکند حتی در همین ارتش در کارهای تولیدی مردم کمک میکند) اما بدلا یلی که ذکر میکنم میزان حقوق ها در ایران بیشتر از ارزش اضافه تولید است که در نتیجه باعث گرانی میشود . کشور ما وابسته به امروالیسم است . اقتصاد امروالیستی وابستگی شدیدی به فروش اسلحه بکشورهای وابسته به خود دارد که ایران یکی از آنهاست . در نتیجه کشور ما نه میل خود بلکه بالاچار برای رشد و بقا سیستم امروالیسم باید اسلحه بخرد (رقم دو میلیارد دلار اخیر) و خرید اسلحه زیاد با استفاده افراد زیاد در ارتش و در نتیجه متوهم شدن دستگاههای نظامی دولت توأم است . از طرف دیگر هم ما بعنوان زاندام خلیج ناگزیر است برگسترش کمی کیفی خود بپردازیم . استخدام هزاران دیپلمه و غیر دیپلمه در سالهای اخیر در ارتش و ورود تعداد زیادی از مستشاران نظامی خارجی که حقوق های کلانی از دولت میگیرند همه و همه باعث تورم در کشور است . مسئله دیگری که باعث میشود در ایران حقوقهای دولتی بیشتر از ارزش اضافه تولید شود حل مسئله بیکاری بخصوص بیکاری جوانان دیپلمه است . دولت برای از بین بردن زمینه های شورش باین تشرکار میدهد . همین جهت ما امروز در ایران شاهد سازمانهای اداری با اسامی گوناگون هستیم که کار اصلی

----- جنگل ----- صفحه ۵۶

نمای بیکاری است. در اکثر این ادارات کار ۱۵ نفر را یک نفر بخوبی قادر انجام دهد. بنابراین وجود این همه کارمند بیکار که در شبانه روز یک خانه گندم هم تولید نمی کنند ولی در عوض حقوق میگیرند باید هم به حساب آید. موضوع دیگری که در بالا رفته میزان حقوق ها اثر مستقیم داشته است (در نتیجه گرانی) شروع مبارزه مسلحانه و ادامه آن میباشد. مبارزه مسلحانه باعث عریض و طویل شدن سازمان امنیت و شهرانی و هم چنین ایجاد سربازهای جدید کشتل مثل گارد دانشگاه و گارد محافظت کارخانجات و مکان جنگل و روستا و... شده است و رژیم نه فقط به گسترش کمی سازمانهای فزاینده بلکه حقوق و مزایا و پاداش و جایزه های عناصر امنیتی خود را به میزان زیادی افزایش داده است. بقول نویسندگان کتاب شورنگری "ضد شورنگری گرا تمام میشود". با اوگیری مبارزه انقلابی عملیات و جناح ضد انقلابی نیز افزایش خواهد یافت و این به بحران اقتصادی رژیم دامن خواهد زد. (یکی از روش برنامه های رئیس کل شهرانی جدید بالا بردن رفاه عناصر شهرانی است تا انگیزه اقتصادی برای پیوستن به انقلاب نداشته باشند و ضمناً تشویق یک ضد انقلابی گردند). امروز ما در آمریکای لاتین و در کشورهای که "چریک ها" فعال است بخوبی ناظر این بحران اقتصادی و بخصوص بالا رفتن قیمت ها هستیم. در بعضی از این کشورها قیمت ها در سال بین ۶۰ تا ۸۰ درصد افزایش مییابد که خود زمینه را برای رشد چریک آماد تر میسازد. به خصوص که در یک مرحله از کار چریک شهری هدف مشخص چریک مشتعل کردن وضع اقتصادی حاکم است. در این مرحله به بحران مالی و بالا رفتن قیمت ها برای ضد انقلاب بسیار خطرناک است. و این مرحله ای است که "توپان مارو" با هماد ره گوناگون

بانکها و کارپوشها و آدم ریائی ها دنبال میکند • چنگهای آرزانتین •
نیز از همین روش پیروی میکنند •

از بحث فوق نتایج زیر را میگیریم :

همانطوریکه دیدیم میزان حقوق در جامعه ما بیشتر از ارزش
• اضافه تولید • میباشد • حالا فرض میکنم کلا حقوق بگیرها ۹۰ تومان
حقوق بگیرند و آنرا خرج میکنند • این ۹۰ تومان کلا بصورت خرجی
کالای مصرفی (اتومبیل - یخچال - تلویزیون) به چیب سرمایه داران
میرود و هرچه دستگاه اداری - میلتانستی رژیم بیشتر رشد کند
(تعداد کارشدان زیاد تر شود یا حقوق آنان افزوده گردد) • سود
بیشتری به چیب سرمایه داران میرود و باعث رشد سرمایه داری میشود و
سرمایه داری نیز با رشد خود بدستگاه اداری - میلتانستی بزرگتری
احتیاج دارد • گفتم فرض کنیم حقوق کل حقوق بگیرها ۹۰ تومان باشد
بنابراین کل پولیکه وارد جامعه میخورد برابر است با

$$\text{تومان } ۱۰۰ = (\text{مزد کارگران}) ۶۰ + ۹۰$$

$$\text{قیمت هر واحد کالا تومان } ۱۰۰ \div ۱/۵ = ۱۰۰$$

$$\text{سهم کارگران از کل تولید جامعه } ۶۰ \div ۱/۵ = ۱۲۰$$

در صورتیکه قبلا بدون سیستم اداری - نظامی کارگران ۶۰ واحد کالا را
مصرف میکردند • یعنی با افزایش حقوق کارشدان و نظامیان کارگران سهم
کمتری از تولید را بدست میآورند • یعنی هرچه دستگاه اداری -
میلتانستی رشد کند • به ضرر طبقه کارگر و زحمتکش است • و بالعکس هرچه
مزد کارگر زیاد تر شود به ضرر کارشدان و نظامیان است •

==== چنگل ===== صفحه ۵۸

پس کارگر علاوه بر سرمایه دار باد دستگاه اداری - نظامی رژیم - تخصصات اقتصادی و زیربنائی دارد. علاوه بر آن، چون ملیتارسم (ارتش و پلیس) حماق سرمایه داره است که در مواقع لازم بر سرکارگر گرفته میشود، بنابراین کارگران باد دستگاه فوق تضاد و بنائى نیز دارند. واقف کردن و برچسته تر کردن این تضاد طبقات زحمتکش و بخصوص با ارتش و پلیس، برای کار سیاسی و تبلیغ بین کارگران و بالا بردن آگاهیشان در آورنده لازم است.

بنابراین هنگامی که رژیم با ارتش و پلیس خود حق کارگران را بسا کدوله جواب میدهد و هدفه دارد: ۱ - به نافع سرمایه دار لطمه ای وارد نشود ۲ - هدم افزایش مزد کارگران که خود باعث تشدید ترس و ترسند و بجدد قیمتها گردیده و در نتیجه قدرت خرید راد رکاد ارتش و پلیس و سایر کارشدان که تکیه گاه اصلی رژیم است کاهش میدهد.

دولت حقوق کلان دستگاه اداری - ملیتارستی خود را از کجسای تامین میکند؟ دوره برای اینکار وجود دارد: چاپ اسکاس همانین پول لازم (با وضع قوانین و موارد مختلف) از اکثریت مردم. (که این اکثریت در کشورها دهقانان و کارگران و پیشه وران هستند) و دولتها تا آنجا که ممکن است سعی میکنند پول لازم برای پرداخت حقوق کارشدان خود را از مردم تامین کنند، زیرا چاپ اسکاس اثر توریق شدید دارد که برای موقعیت دولتها خطرناک است. با وجود این چاپ اسکاس در مواقع لزوم بوسائسل و عناوین مختلف مانند: مالیات غیر مستقیم، مالیات مستقیم، عوارضهای مختلف، نوسازی، جریمه های رواندگی، بیمه و... صورت میگیرد که در بهشت همد توم از آن بهتر سخن خواهیم گفت.

۲- خرجهای کلان برای جشنهای بزرگ :

جشنهای بزرگ مانند جشنهای دوهزار و پانصد ساله برای رژیم و در نتیجه مردم گران تمام میشود . دولت ایران تا همین خرج جشنها تنها آنجا که میتواند از مردم پول بگیرد و باقی را با پول گرفتن از بانک مرکزی و چاپ اسکناس تامین میکند که این هر دو (وام و چاپ) باعث گرانی است . به علاوه چون در این جشنها مقدار زیادی از تولید جامعه مثل شکر ، بزرگ ، گوشت ، لایب ، سم ، پارچه ، آهن ، ... بهدر میرود و در نتیجه کالای مورد نیاز مردم نیز کم میشود ، این دو عامل یعنی وارد شدن پول به بازار از یک طرف و خریدهای یکجای دولت از طرف دیگر باعث بالا رفتن قیمت ها میشود .

همچنین جهت است که دولت همیشه بلافاصله بعد از جشنها کارهای ضد ترویج میکند .

۳- صدور کالاهای مورد نیاز مصرفی داخلی به خارج :

دولت برای ایجاد تعادل ارزی در بازرگانی خارجی و انجام معاملات پایاپای با کشورهای سوسیالیستی و همچنین راه یافتن به بازارهای جهان (بخصوص خاورمیانه و خلیج) به خاطر هدفهای استراتژیکی ناچار به صدور کالاهای مورد نیاز جامعه مانند سمین و پنبه ، پارچه ، خشکبار ، میوه و ... و ... اقتصاد سالم و صادرات از مازاد ، صرفه ، حاصل به علت وابستگی خود به بازارهای خارجی و ایجاد جابجای اقتصادی

۶ - جنگل ----- صفحه ۶

۴ - فروشگاههای بزرگ مثل فردوسی و ایران و کبریا و تعاونی ارتش

در شهرهای مسافر کارندان

این فروشگاهها خریدهای داخلی خود را در زمان فراوانی
در (مثلا حیوانات و بزج در پائیز) میکنند و خرید از خارج را نیز در
زمان مناسب انجام و کالاهای خود را انبار مینمایند و چون خریدهای آنها
از بازار داخلی کلان است، بهلافاصله زمینه (مقدار) کالاهائی که آنها
خرید کنند در بازار کم میشود و قیمت همان کالاهای بازار بالا میرود و در
نتیجه از این بالا رفتن قیمت ها فروشگاههای بزرگ تجاری (نه فروشگاه
در ارتش) سود میبرند و اکثریت مردم زبان میکنند.

ب- علل جهانی تورم:

بطور کلی اقتصاد کشورها به اقتصاد جهان سرمایه داری وابسته
است، چرا که داد و ستد و مبادلات با کشورهای سرمایه داری است. بنابراین
تورم جهان سرمایه داری بهادگی و آسانی وارد ایران میشود. علل تورم
در جهان سرمایه داری که باعث بالا رفتن قیمت کالائی میشود که از آنها
میخریم شرح زیر است:

۱ - دستگاه بوروکراسی - موازنه متنی و شرکت در جنگ هائیک
مانند کره و ویتنام و ... با همان مکانیسمی که شرح دادیم.

۲ - احتکار بین المللی - باعث توزیع سهمیه برای اروپا و ایسم
و سرمایه داری از دلار و به خصوصاً دلار غیر قابل تبدیل کردن دلار به
دلار و پولداران و سرمایه داران جهانی، مقداری از دلارهای خود را بهنگام
تبدیل کرده تا در آینده آنها با قیمت بیشتری بفروش برسانند. همین امر

----- جنگل ----- صفحه 61

یکی از علل کمبود مایحتاج بشری در نتیجه بالا رفتن - سرسام آور قیمت کالاهای درجهان شده است. در یکسال گذشته قیمت جهانی کسدم ۳۲۰٪ آهن ۲۰۰٪ مواد پلاستیکی ۴۰۰٪ شکر ۳۰۸٪ سیمان ۲۰۰٪ الیاف مصنوعی ۲۰۰٪ و روغن نباتی ۲۰۰٪ بالا رفته است. شاه در نطق افتتاح مجلسین گفت: توری که از خارج به ما وارد میشود زائیده یک نظام پولی ناسالم است که ماسفانه هنوز هم وضع آن روشن نیست.

این نوع تورم بعد از این درجهان مستعروضه خواهد بود. زیرا که سیستم پولی امپریالیسم غیر قابل اصلاح است و در نتیجه احتسار جهانی اوج بیشتری خواهد یافت.

۳ - سیاست های اقتصادی امپریالیسم :

سیاست کشورهای بزرگ سرمایه داری با جهان سوم اینست که همیشه سعی میکنند قیمت کالاهائی را که خودشان تولید میکنند در رقابت با قیمت های جهان سوم بالا نهند دارند. به نوشته روزنامه اطلاعات بتاريخ ۱۸/۵/۵۶ توجه کنید :

بود اکران قدرتشند که تباهی کشورهای بزرگ را در دست دارند در مقابل یک درصد افزایش قیمت مواد اولیه و کالاهای خام ۲ تا ۵ درصد قیمت محصولات صنعتی خود را افزایش میدهند. به عبارت دیگر در مقابل ۵۰٪ افزایش مواد خام (نفت و سنگ معدن) و کشاورزی و صنایع ساخته شده که تا پیش از ۲۰۰٪ ترقی میکند ۱۰۰٪ کالای جهانی دائما به ضرر کشورهای در حال توسعه. در حال توسعه با مالک صنعتی (۵۰ تا ۵۳) حدود ۱۴ به ضرر

کشورهای در حال رشد تغییر کرده است و این سیاست باعث می‌شود که قیمت اجناسی که وارد کشور ما می‌گردد دانه‌گران شود و ما از گران فروختن مواد خام و اولیه و مواد کشاورزی خود نه فقط سود نمی‌بریم بلکه بهد از مدتی زبان هم می‌بینیم. چون کشورهای بزرگ با فاصله اجناس خود را به بیشتر از آن نسبتی که ما گران کرده ایم گران می‌کنند، بنابراین به‌های ژیم کشته حالا ما "فروشنده نفت هستیم و خودمان قیمت را تعیین می‌کنیم" کاملاً مسخره است. خود شاه در این مورد در تعلق افتتاحیه مجلسین گفت: "البته این مسابقه که از یک طرف ما قیمت نفت را بالا ببریم و از طرف دیگر آنها قیمت را افزایش دهند معلوم نیست بالاخره بکجا می‌رسد این مساله بین کشورهای قابل بحث است. باین حساب حالا که ما قیمت نفت را ۷۰٪ افزایش دادیم باید منتظر باشیم کالاهائی وارداتی ما از غرب حداقل ۱۴۰٪ گرانتر از سابق بشود"

ج. علل روانی تورم:

«جمعه علل داخلی و جهانی فوق بحث می‌شود که مردم از آینده خود نگران باشند و آنها که بقول معروف دستشان به دهنشان نرسد (طبقه متوسط) کالاهای ما محتاج خود را به سرعت از بازار خرید و انبار کنند. مدامی دیگر نیز به احتکار می‌پردازند. این عمل مخصوصاً وقتی مبارزهای جدی بر علیه دواتها جریان دارد شدت بیشتری بخود می‌گیرد»

هد تورم -- راه حل‌های سرمایه داری، برای مبارزه با تورم چیست؟

قبلاً گفتیم که تورم به نوع سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی است اما مردم نیز تا حدی می‌توانند آنها را تحت محض کنند. اگر این فشار تیمم برای

----- چنگل ----- صفحه ۶۳

مردم از حد گذشت، شورش، اعتصاب، بی اعتمادی، بی بدولت ۰۰۰
 جو جامعه را فرا بگیرد. وجه مسا د ولتها را ساقط میکند.
 در کشور خود مان با وجود دیکتاتوری شدید، اعتصابات کارگران
 که فدارگرانی عمدتا بردوش آنهاست، در سالهای اخیر با تاثیر مبارزه
 مسلحانه شدت یافته است، و این در سیستم دیکتاتوری مانند ایران نشانه
 استشار عمیق، فشار شدیدی است که بر طبقه زحمتکش و کارگر وارد میشود.
 سکوت جنایتکارانه رژیم در مقابل، این هوشمندی کارگری، احوالت و خنثیت
 مبارزه کارگران و شکاف بسیار عمیق طبقاتی در ایران را تأیید مینماید. به همین
 منبهاست که دولت از تورم فعلی بسیار ناراحت است. بطور کلی دولت
 شکرانی دولت از تورم شدید عبارتست از:

۱- آماده شدن زمینه شورش بعثت انگیزه های مشترک اقتصادی (بالا رفتن
 قیمت) و استفاده چریک شهری از آن، برای مبارزه سیاسی - نظامی با رژیم
 و بی اثر ماندن تبلیغات رژیم در مبارزه علیه چریکها بعثت ناراحتی مردم از
 وضع قیمتها که آنها را تصحیر دولت میدانند.

۲- پادرها ماندن و اجرای ناقص برنامه های عمرانی پنجساله که برای
 تحکیم موقعیت رژیم در داخل ضروری است.

۳- نرسیدن رژیم به وظایف استراتژیکی که در منطقه خلیج دارد، به علت
 مبارزه و برنامه ریزی جهت این مشکل اقتصادی و اجتماعی (تاثیر مشکلات
 داخلی در وظایف منطقه ای). اصولاً رژیم بدین تحکیم وضع سیاسی
 و اقتصادی خود در داخل و قادر نیست وظایف منطقه ای را انجام دهد.
 مجبوره، مبارزه قبیله باعث میشود که رژیم با گرانی مبارزه کند. برای

----- جنگل ----- صفحه ۶۴

مبارزه با تورم، ابزارهایی در دست دول، سرمایه داری هست که اینک در تحریمات تقریباً همه آنها مورد استفاده قرار گرفته و مابه شرح مختصر آنها میپردازیم. بطور کلی چون تورم نتیجه کمی تولید و فراوانی پول است، بنابراین سیاست همد تورمی بایستی در جهت افزایش تولید و در مقابل جمع آوری پول از دست مردم بعنوان مختلف باشد.

راههای مبارزه با تورم بشرح زیر است :

- ۱ - سیاست پولی (تصمیمات دولت برای کاهش پول در گردش در جامعه) : این تصمیمات بطور کلی بوسیله بانک مرکزی ایران (که کنترل پول کشور در دست آن است) گرفته میشود. بانک مرکزی برای کاهش پول در گردش و در کشور در کاهش در ماههای اخیر تصمیمات زیر را گرفته است. این تصمیمات پس از تصدیق است مدیرو کلی بانک توسط "کابینه" که از مغزهای اقتصادی رژیم است، گرفته شد.

الف - افزایش نرخ بهره اعتبارات بانکی : اعتبارات بانکی، وامی است که بانکها به مشتریان خود میپردازند. واضح است که هر چه بهره این وام زیاد شود وام گیرندگان تمایل کمتری برای گرفتن وام پیدا میکنند در نتیجه پولهایی که در بانکها خرابیده وارد بازار نمیشود.

ب - افزایش نرخ بهره پس انداز : با افزایش نرخ بهره پس انداز در چند ماه اخیر، بانکها میخواهند مردم را به پس انداز تشویق کنند تا پول مردم در بانکها بخواهد و در نتیجه میزان پول در جامعه کاهش پیدا کند.

ج - تمام کارندان دولت موظف هستند یک حساب بانکی

در بانکها داشته باشند • حقوق آنها بحساب آنها در بانک ریخته میشود • همین کار باعث میشود که کارمند حقوق خود را بتدریج از بانک بگیرد و در نتیجه در یک زمان کوتاه اول ماه مدتها مقدار پول در جامعه بالا نرود و در ضمن مقداری از حقوقها بطور مستمر در بانکها جمع میشوند • ۲ - تصمیمات مالی : این تصمیمات توسط وزارت دارائی گرفته میشود که عبارت است از :

الف - پخش اوراق قرضه با بهره خوب (۱۰ تا ۱۵ درصد) که مقداری از پولهای جزئی طبقات متوسط را از جریان خارج میسازد • در ضمن دولت با این پول کارهای فوری خود را انجام میدهد (دادن حقوقها) و دیگر مجبور نیست همیشه اسکناس چاپ کند ، که اینکار هم جنبه تعدد تئوری موقت دارد •

ب - تسریع در گرفتن مالیاتهای مستقیم با همکاری اطاق اصفاف

و فهره :

۴ - فشار بر طبقه توزیع کننده : یک راه دولت برای مبارزه با تورم و کاستن مزد کارگر و ثبات نگه داشتن آن است که سعی میکند تا آنها که ممکن است آنها را ثابت نگه دارد • راه دیگر کاستن از سود سرمایه دار است که یا نتیجه بی همکاری سرمایه داران برای حفظ سیستم (رژیم) اینکار را با برگرداندن قیمت های عمده فروشی سرمایه به خود داد ما انجام داده است • البته واضح است که سرمایه داران بزرگ با این کار آلودن بحیثیت تولیدی ضرری نخواهند کرد • بنابراین دولت از برای • • • • • با تولید سرکار دارند • یعنی کارگران سرمایه داران و • • • • • داران و توزیع کنندگان

رود میآورد. یعنی با وجود بالا رفتن سرسام آور قیمت‌ها، مزد کارگر را
 متحد ممکن ثابت نگه میدارد و به طبقه توزیع کننده هم فشار میآورد تا از
 زان سود خود بکاهد. یکی از کارهای اطاق اصناف در هائی حاضر
 همین است و یعنی گاستن سود مغایر داران، به حاضر فروکش کردن تویم.
 لیغات رژیم نیز در این مورد جالب است. رژیم سعی میکند مسئله
 گرانی را که زائیده سیاست خود او و وابستگی اش به جهان سرمایه داری
 است، به حساب گرانفروشی اصناف و اجناس آنها جلوه دهد و با این
 تبلیغات، ناراحتی شدید مردم را از خود منحرف سازد. ازین بسرن
 مضمی از واسطه ها، مثلاً از بین بردن ۱۵۰۰ واسطه و لال میدان
 فروش ها و نیز گاستن تعداد قصاییم و تاثیرات آنها با اجرای طرحهای
 مانند طرح گوشت و طرح نان و نمره در اجرای همین سیاست فشار بر توزیع
 شده و سپس بلا قرار دادن آنها در گرانی اخیر است. رژیم اولاً تعداد
 توزیع کنندگان را کم میکند و ثانیاً سود بقیه را محدود میسازد تا قیمت
 کالاها را کمتر شود. فشار دیگر بر طبقه توزیع کننده که تعداد آن فقل در
 تهران ۲۰۰ هزار پیشه و هر واسب است از طریق برآورد صحیح مالیاتی
 اخذ نوری مالیات از آنان است در صورتیکه در گذشته این طبقه با کمک
 و زینگی از زهر بار مالیات فرار میکرد و با آنرا خیالی کم میداد. پرسه نامه
 هائی که اطاق اصناف برای برآورد درآمد هر مغازه دار صادر میکند
 یک علقش گرفتن همین مالیات است. این روزها به تبلیغ رژیم در مورد
 گرانی و اسراف ^{علیه} است. • اطلاق کلمه "فئودالیم" توسط شاه با اصناف و
 ویت به مصرف کنندگان و... همه را برای تحریک مردم علیه اهنساف

و انحراف ناراحتی آنان از محیطی است، ولی مردم با سادگی میگویند
 "فراوانی اثر باشد ارزانی، هم هست" و این حتی شاه را عیبانی کرد
 که چرا گران میخورد؟ چرا بعلیه گرانفروشی اعتراض نمیکند... و از این
 قبیل در صورتیکه مردم عامل اصلی گرانی را بد رستی، دولت میدانند
 ۴ - بومه اجباری: برای جمع آوری پول از دست مردم، سازمان عریض
 و طولی بنام "بومه" دائما در حال فعالیت است. عده بومه شدگان
 دائما در حال افزایش میباشد. اینکار در کارخانه های بزرگ، در بین
 کارمندان انجام گرفته است. امسال بومه شخصی ثالث برای اتومبیل هفت
 اجباری بود که چماق اجرائی این بومه پلیس بود. (به نقش پلیس در
 سیستم سرمایه داری توجه شود) اطاق اضافه نیز اکنون طرحی برای
 بومه اضافه در دست دارد. و لیان نیز میخواهد همه روستائیان را بومه
 کند و...

- ۵ - فروش سهام کارخانهجات دولتی و خصوصی مردم: این هدف عملی
 بر اینکه پول را از دست مردم بگیرد، سرمایه لان برای سرمایه گذاران
 جدید سرمایه داران را نیز فراهم میسازد.
- ۶ - بالا بردن عوارض مختلف شهرداری، نوسازی جریمه رانندگی و غیره.
- ۷ - افزایش سرمایه گذاریها: سیاست هدف ترویج در جهت خارج
 کردن پول از دست مردم و افزایش تولید است. بنابراین افزایش سرمایه
 گذاران برای دایمی و جاری بکاهش تورم کمک میکند. ولی خود سرمایه
 گذاران در کوتاه مدت باقی تمام نگردد، زیرا در مدتی که عده زیادی
 کارگر و مهندس و...

..... جنگل صفحه ۶۸
 تولید ندارد ولی در عوض پولی وارد بازار شده است. به علاوه
 ایران سرمایه‌گذاریهائی میشود که تولید آن مصرف داخلی ندارد،
 مثل "مارچوبه" کت و صنعت آفای نرالی در خوزستان و آلومینیوم
 بدی در اراک. پس این نوع سرمایه‌گذارها نیز در ایران تسهیل
 ایجاد میکند.

در حیره بندی که بصورت ضعیف در بعضی موارد در ایران می بینیم،
 نه جریان نقد و شکر چندی قبل که درازا خرید اجناس دیگر بر خسته
 باشد.

۱. تقبل اجباری زبان از طرف دولت: دولت مجبور است وقتی تورم
 خیلی شدید است، بعضی از اقلام مایحتاج عمومی مثل گندم را از داخل
 اخراج خریداری کرده و با قیمت ارزانی برای مردم بفرستد تا از تورم پیش
 جانی گیری کند. دولت هم اکنون از این بابت در سال جاری یک میلیارد
 و یکصد میلیون تومان ضرر می بیند که در سال آینده این زبان یک میلیارد
 و هشتصد میلیون تومان خواهد بود. دولت از بابت ضرر گندم ۲۱۰
 میلیون تومان در سال جاری و ۷۴۰ میلیون تومان در سال آینده ضرر
 خواهد کرد. در ضمن دولت از بعضی اقلام وارداتی مثل مواد اولیه
 رنگین نباتی و ... عوارض گرگی میگیرد و ضرر دولت امسال از این بابست
 ۴۰۰ میلیون تومان است.